

## اعتصاب و اعتراض علیه حکومت اعدام

گفتگو با شهلا دانشفر در برنامه خط رفاه در تلویزیون کانال جدید، صفحه ۲



### کارگران بر علیه اعدام

کارگر کارگاهی - حمید دائمی، صفحه ۶

### وقاحت وزیر کار: تلاش داریم حقوقها را به خط فقر برسانیم!

مهران محبی، صفحه ۸

### دو اطلاعیه در رابطه با آخرین خبرها از اعتراضات کارگران گروه ملی فولاد اهواز

صفحات ۱۰ و ۱۱

### اعتصاب عمومی در سمیرم علیه اعدام

صفحات ۱۰ و ۱۵

### اطلاعیه هایی از اعتراضات گسترده در نفت

صفحات ۱۱، ۱۲ و ۱۵

### ۱۵ بهمن: تجمعات بازنشستگان تامین اجتماعی و فولاد و دو خبر دیگر

صفحه ۵

### تجمعات سراسری بازنشستگان مخابرات در شهرهای مختلف و تجمع و راهپیمایی کشاورزان اصفهان

صفحه ۱۳

### تجمعات بازنشستگان کشوری در اهواز، کرمانشاه، یزد و پرستاران در ساری صفحه ۱۳

### از مدیای اجتماعی

بیانیه کمیته بین المللی علیه اعدام در باره: اعدامهای جنایتکارانه اخیر و جنبش وسیع علیه اعدام

صفحه ۱۷

نامه سرگشاده دادخواهان: به خانم نادالانشیف معاون کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل "

صفحه ۱۸

نهاد دادخواهان: از فراخوان گوهر عشقی مادر دادخواه حمایت کنیم! صفحه ۱۸

# کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۸۱۷

۲۳ بهمن ۱۴۰۲

۱۲ فوریه ۲۰۲۴



دوشنبه ها منتشر میشود

آگاهی طبقاتی، مبارزه  
بازنشستگان و دلواپسی  
برخی ها  
یاشار سهندی، صفحه ۹

جنبش سراسری علیه  
اعدامها را گسترش دهیم  
صفحه ۷

مردم کردستان علیه اعدام  
دست به اعتصاب عمومی  
زدند  
صفحه ۱۶

از اعتصاب غذای زندانیان  
قزل حصار فعالانه حمایت  
میکنیم  
صفحه ۷

کارگران در هفته ای که  
گذشت  
تنظیم کننده: سهیلا رضوانی  
صفحه ۱۴



## اعتصاب و اعتراض علیه حکومت اعدام

### گفتگو با شهلا دانشفر در برنامه خط رفاه در تلویزیون کانال جدید

**حسن صالحی:** جامعه ایران جامعه ای پر تلاطم است. از هر گوشه ای از آن اعتراض میجوشد. بخش های مختلف کارگران از جمله کارگران نفت، بازنشستگان، کشاورزان، فولاد اهواز در جنب و جوش اعتراضی هستند و اخبار تجمعات اعتراضی هر روزه آنها را داریم. در همین روزها اعتصاب عمومی در کردستان و در سمیرم علیه اعدامها را داشتیم. لازمست کمی در مورد این اتفاقات مهم صحبت داشته باشیم. اجازه بدهید برنامه را با اعتصاب عمومی روز سه شنبه دهم بهمن ماه در کردستان شروع بکنم. اعتصاب عمومی در اعتراض به قتل حکومتی چهار زندانی سیاسی پژمان فاتحی، محسن مظلوم، محمد فرامرزی، وفا آذر بار صورت گرفت و شهرهای مختلفی از کردستان در این اعتصاب شرکت کردند. این اعتصاب که به فراخوان سازمانهای حقوق بشری و حمایت احزاب و نیروهای سیاسی من جمله حزب کمونیست کارگری ایران صورت گرفت، اعتصاب موفقی بود. و برخورد اعتراضی شایسته ای به جنایتی که جمهوری اسلامی مرتکب شده، بود. ارزیابی شما از این اتفاقات چیست؟

**شهلا دانشفر:** اعتصاب عمومی در کردستان پاسخ محکمی به حکومت کشتار و جنایت بود. به نظر من امروز جنبش علیه اعدام و بطور واقعی جنبش سرنگونی وارد فاز دیگری شده است و ما شاهد اوضاع تحولساز هستیم. این جامعه، این مردم جنگی برای سرنگونی جمهوری اسلامی را با تلاش فراوان دارند به جلو میبرند. حکومت اعدام میکند، سرکوب میکند و بر جنایتش افزایش داده بخاطر اینکه چند صباحی بیشتر بماند. و این اعدامها و تشدید سرکوبها خشم مردم را بیشتر دامن زده و عزم آنها را برای سرنگونی راسختر کرده است. در اعتصاب عمومی در کردستان که اشاره کردید، سیزده شهر در اعتصاب کامل بودند. جدا از کردستان در سمیرم نیز ما شاهد اعتصاب عمومی مردم بودیم که حرکتی پیشگیرانه در برابر خطر اعدام فاضل بهرامیان و مهران بهرامیان در این شهر بود. مردم سمیرم در همان روز دهم بهمن ماه در کنار مردم کردستان ایستادند و دست به اعتصاب عمومی زدند و با این کار هم همبستگی خود را به نمایش گذاشتند و هم اعتراض خود را به احکام اعدام اعلام کرده و به نجات جان دو نفری که نام بردم شتافتند.

اعتصاب عمومی در چنین ابعادی در کردستان و در کنار آن در شهر سمیرم اتفاقاتی مهم هستند. بویژه وقتی این اعتراضات را در کنار اعتراضات گسترده کارگران نفت میگذاریم، کنار تجمعات با شکوه و متوالی بازنشستگان میگذاریم، کنار حرکت اعتراضی قدرتمند کارگران در فولاد اهواز میگذاریم که با راهپیمایی و فریاد شعار "مشکل ما حل نشه اهواز قیام میشه" میگذاریم که خیابانهای این شهر را به لرزه در آوردند، کنار بلند شدن فریاد نه به اعدام از درون زندانها می گذاریم که در جایی مثل قزلحصار سه شنبه های اعتراضی را اعلام کردند و بالاخره کنار جنبش قدرتمند بیحجابی قرار میدهیم که نشانه شکست آشکار حکومت است، اهمیت و جایگاه آن برجسته تر خود را نشان میدهد.

اما برگردیم به همین موضوع جنبش علیه اعدامها و اتفاقات مهمی که در همین هفته شاهدش بودیم. البته کارزار جهانی علیه اعدامها خیلی زودتر و با قرار گرفتن شمار بیشتری از معترضین انقلاب در لیست اعدامها و خطر فوری اعدام آنها کارش را شروع کرد. همزمان در داخل ایران نیز تحركات اعتراضی در این زمینه وسیعتر شد. از جمله بیانیه ای با امضای ده شکل از کارگران و نهادهای اجتماعی و نیز بیانیه هایی از سوی نهادهایی چون دادخواهان، شورای بازنشستگان ایران، سندیکای شرکت واحد، کانون نویسندگان، ندای زنان ایران را داشتیم. قتل حکومتی محمد

قبادلو و فرهاد سمیعی خشم مردم را شعله ور تر کرد و جنبش علیه اعدام وارد فاز دیگری شد. از درون زندان زندانیان سیاسی شجاع زن در اوین اعلام اعتصاب غذا کردند. نهاد دادخواهان از این اقدام شجاعانه آنان پشتیبانی کرد. ۳۷ نفر از زندانیان سیاسی سابق زن از اوین به این اعتراض پیوستند. ۱۷۰ نفر از فعالین کارگران و اجتماعی بیانیه حمایتی دادند. و بدین ترتیب موجی از همبستگی با فراخوان زندانیان زن در اوین و علیه اعدامها شکل گرفت. هفده دانشگاه و جمع دانشجویی از این اقدام شجاعانه زندانیان زن حمایت کردند. بعلاوه اینکه در این حمایت ها طیف وسیعی از خانواده های دادخواه، هنرمندان و بخش های مختلف جامعه را دیدیم. این چنین بود که جنبش علیه اعدام ابعاد اجتماعی تر و توده ای تری بخود گرفت. از جمله هشتکهای #نه\_به\_اعدام و #اعدام\_قتل\_عمد\_حکومتی\_است به گفتمان همگانی مردمی در مدیای اجتماعی تبدیل شد. در خارج کشور نیز در ۴۱ شهر جهان تظاهراتی بر پا شد. بدینگونه جنبش علیه اعدامها جنبشی برای نجات جان انسانها و برای هموار کردن راه پیشروی انقلاب در برابر حکومت اعدام قدرتمند تر قد علم کرد. بدنبال این اتفاقات با اعدام چهار جوان از کردستان خشم و اعتراض مردم علیه حکومت آدمکش جمهوری اسلامی شدت بیشتری پیدا کرد. بار دیگر زندانها به حرکت درآمدند. زندانیان سیاسی در قزلحصار در اعتراض به این جنایت حکومتی سه شنبه ها را روز اعتصاب عمومی خود علیه اعدامها که یک مرکز آن در این زندان است اعلام کردند. در همبستگی با آنها نهاد دادخواهان سه شنبه های اعتراض عمومی را اعلام داشت. و همانطور که اشاره کردید در این مقطع یعنی در دهم بهمن ماه اعتصاب عمومی در شهرهای کردستان شکل گرفت. این اعتصابات نمایشی از اتحاد مبارزاتی مردم در برابر اعدامها بود و به جنبش علیه اعدام قدرت بیشتری بخشید. ضمن اینکه نقش مهمی در جلو آمدن گفتمان اعتصاب عمومی در سطح را جامعه داشت. بعلاوه اعتصاب عمومی در کردستان الگویی برای مقابله قدرتمند در برابر بساط اعدام و سرکوب حکومت را بدست داد. الگویی که میشود آنرا همه جا تکثیر کرد. از جمله در هر شهری که مردم با خطر اعدام جوانانی روبرو میشوند با به تعطیلی کشاندن شهر میتوانند به اعتراض برخیزند. مثل کاری که مردم سمیرم کردند. و بالاخره اینکه اعتصاب عمومی ای از نوع آنچه در شهرهای کردستان شاهد بودیم در متن فضای اعتراضی جامعه و اعتراضات گسترده در میان کارگران که شما هم به آنها اشاره کردید به نوبه خود بر حرکت کل جامعه بسوی اعتصابات سراسری و عمومی یاری میرساند. و امروز در ادامه چنین حرکتی است که گوهر عشقی مادر دادخواه شجاع با فراخوان اعتصاب عمومی در اعتراض به اعدامها جلو آمده و جامعه را به آن فرامیخواند.

نگاهی به این تصویر، اتحاد جامعه علیه اعدام و سرکوب را به نمایش میگذارد. این اتحاد و همبستگی جنبش سرنگونی را گامی به جلو میبرد. جنبشی که در آن مردم علیه اعدام و سرکوب ایستاده اند، علیه فقر و تبعیض و نابرابری ایستاده اند، علیه حجاب و بساط آپارتاید جنسی حکومت ایستاده اند. و اعتصاب عمومی مردم در کردستان و کارزار جهانی علیه اعدام را باید در متن این اوضاع و احوال گذاشت تا تصویر روشنتری از قدم های بعدی آن داشته باشیم. کارزاری که یکسر آن در خارج



فاسد و بازگشت به کار همکارشان کریم سیاحی و قراردادی شدن کارگران شرکت شفق است، تاکید کرد. بعد نیز وقتی مدیریت از در امنیتی کردن فضای شرکت وارد شد و با شکایت او برای 24 کارگر معترض این شرکت پرونده سازی شد، کارگران محکم ایستاده و اعلام کردند که اجازه نمیدهند و باید تمامی این پرونده ها فوراً و بدون قید و شرط مسدود شود. بدینگونه فضای این شرکت در التهاب است و کارگران که بدنبال اعتراضات پرشوری که داشتند خود را قدرتمند تر می بینند، پیگیر مطالباتشان هستند.

**حسن صالحی:** یک نکته بسیار جالب در فولاد اهواز اینست که کارگران بیانیه میدهند. به این صورت که ما می بینیم این کارگران هر روزه از جریان اعتراضات خود و خواستها و مطالباتشان مردم را مطلع میکنند. مجمع عمومی تشکیل داده و روند اعتراضاتشان را جمع بندی میکنند و نقاط ضعف و قدرت کارشان را مورد بررسی قرار داده و همه اینها را علناً منتشر کرده و در دسترس عموم مردم قرار میدهند. از جمله اگر در شبکه های اجتماعی به کانال تلگرامی این کارگران مراجعه کنید. لحظات اعتراضات کارگران فولاد اهواز را بصورت فیلم و تصویر و نیز بصورت گزارشات خبری میتوانید دنبال کنید. و این سنت بیانیه دادن از سوی آنها بسیار جالب و آموزنده است. این کار قدر در جنبش کارگری سنت جا افتاده ای است؟

**شهلا دانشفر:** مراکز مثل گروه ملی فولاد اهواز همانطور که اشاره کردید در این زمینه پیشتاز هستند. به نظر من از درسهای اعتراضات کارگران فولاد اهواز، این کانون داغ اعتراضات کارگری باید آموخت و چنین سنت هایی را در همه تکثیر کرد. برای مثال همین الان بیش از سه ماه است که کارگران رسمی نفت در اعتراض هستند. اما گفتگوی این کارگران با جامعه ضعیف است. خوشبختانه در این زمینه پیشرفتهایی داشته اند. شما میتونید عکس ها و تصاویر اعتراضات آنها را در مدیای اجتماعی ببینید. از جمله اخبار این اعتراضات مرتباً در کانال شورای سازماندهی کارگران پیمانی نفت و دیگر نهادها پخش میشود. اما کافی نیست. جای چنین جمع بندی ها و بیانیه هایی که خود نقش مهمی در ایجاد اتحاد و همبستگی دارد و جلب حمایت مردمی دارد، خالیست. اگر چه سر بلند کردن تشکلهایی چون شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت و ارکان ثالث در بخش هایی از نفت بدرجه ای به رفع این معضل کمک کرده است. اما این باید بطور سراسری به سنت جا افتاده ای در نفت و در میان بخش های دیگر کارگری تبدیل شود. وجود این سنت در فولاد اهواز در واقع ابعاد سازمانیافتگی مبارزات این کارگران و اتکای آنها به مجمع عمومی به عنوان مکانی برای متحد شدن و تصمیم گیری جمعی را به نمایش میگذارد. از جمله یک انتقاد این کارگران به همکارانشان که شب سر کار بازگشتند این بود که باید در مورد شروع اعتصاب، پایان اعتصاب و چگونگی ادامه اعتراض در مجمع عمومی تصمیم گیری شود تا با قدرت تر جلو برویم و هر گونه سرکوبگری ای را متحدانه عقب زنیم. و عملاً هم می بینید که چگونه این کارگران توانستند با گفتگو و تفاهم صف خود را متحد نگهدارند و با دادن اولتیماتوم بر پیگیری مطالبات خود تاکید دارند.

**حسن صالحی:** در صحبها اشاره ای به کارگران نفت داشتید. الان شاهد اعتراض پر

## اعتصاب و اعتراض علیه ...

از صفحه ۲

کشور و سر دیگرش در ایران است و جنبش دادخواهی و زندانیان سیاسی نیروهای مهمی از این جنبش هستند.

**حسن صالحی:** همانطور که اشاره شد مبارزه ای که الان علیه اعدام جریان دارد، مبارزه ای است در مقابل کل حکومت برای اینکه مردم بتوانند سلاح سرکوب را از حکومت بگیرند و با خلع سلاح کردن آن حکومت را به زانو در بیاورند. اما اجازه بدهید به یکی از اعتراضاتی که در این هفته بسیار برجسته بود و پاسخ محکمی به سرکوبگریهای حکومت بود بپردازیم که شما هم به آن اشاره داشتید. آنهم اعتراضات قدرتمند کارگران فولاد اهواز است. شهر اهواز در هفته ای که گذشت زیر پای کارگران فولاد به لرزه در آمد. خیلی ها برایم ویدئوهای اعتراضات این کارگران را فرستادند. منظرم اینست که این اعتراضات انقدر شورانگیز، قوی و نیرومند بود که توجه جامعه را بخود کاملاً جلب کرده بود. این کارگران در صفتی بزرگ در خیابان های اهواز راهپیمایی کردند، شعارهای اعتراضی خود را سر دادند، مردم را به همبستگی با خود فراخواندند و چندین روز این مبارزه ادامه داشت و بعد هم بطور موقت پایان یافت. آخرین خبرها و مطالبات این کارگران چیست؟

**شهلا دانشفر:** همانطور که اشاره کردید اعتراضات این کارگران بسیار با شکوه، قدرتمند و آموزنده بود. فولاد اهواز نمونه بارزی از اتحاد و قدرت گیری اعتراضات با اتکاء به مجمع عمومی و تصمیم گیری جمعی و خیابان بود. سیل جمعیت کارگران فولاد در این یک هفته از شرکت بصورت راهپیمایی هر روزه بطرف خیابان به حرکت در آمد و با سردادن شعارهای کوبنده و فریاد "ما کارگران فولاد علیه ظم و بیداد میجنگیم، میجنگیم" و برپایی تجمعات در مقابل فرمانداری، استانداری و ساختمان مرکزی بانک ملی خیابانهای شهر را به لرزه در آورد. شعارهای اعتراضی این کارگران پیام همه مردم در دفاع از زندگی و معیشت خود و علیه سرکوبگریهای حکومت بود. بدین ترتیب در حالی که حکومت اعدام میکند و بر سرکوبگریهایش شدت داده است، کارگران چنین قدرتمند به میدان آمده و با فریاد مطالباتشان خیابانها را به تصرف خود در می آورند و میگویند "مشکل ما حل نشه اهواز قیامت میشه" و این کارگران در همان روز اول اعتراضشان با شعار "نه تهدید، نه زندان دیگر اثر ندارد، پیام خود را به گوش حکومت رسانند. بنابراین اعتراضاتی از این دست را باید در همان چهارچوب ایستادگی مردم علیه سرکوب و اعدام دید و چه بهتر بنر اعتراض علیه اعدامها نیز در چنین تجمعاتی برافراشته شود. اعتراض این کارگران به دستمزدهای سطح نازل و علیه فساد و دزدی است و خواستشان افزایش حقوقها و بصورت فوری اجرای طرح طبقه بندی مشاغل است که به میزانی مزدشان را افزایش میدهد. این کارگران همچنین خواستار برکناری محمدی مدیر عامل شرکت و باند مافیایی و فاسد مدیریت، خلع ید از مالکیت بانک ملی، بازگشت به کار همکار اخراجی شان کریم سیاحی و قراردادی شدن همکارانشان در شرکت شفق هستند. آخرین خبرها اینست که در شب سه شنبه مدیریت با حيله وارد کار شد. با وارد کردن برخی از آیتم های مزدی فریز شده کارگران در فیش های حقوقی، کارگران شیفت شب را سر کار بازگرداند. در مقابل این کار صدای مستقل کارگران گروه ملی در اقدامی متحدانه طی بیانیه ای با اشاره به تشبثات همیشگی مدیریت برای ایجاد تفرقه در میان کارگران پایان مشروط و موقت اعتصاب را اعلام داشت. ضمن اینکه افزایش دستمزد کلیه سطوح شغلی بر اساس طرح طبقه بندی مشاغل برای تمام کارگران اعم از پرسنل قراردادی گروه ملی فولاد و کارگران شرکت شفق راهیان اکسین را نتیجه مستقیم همبستگی و اتحاد عمل و خرد جمعی در میان کارگران معترض در این شرکت خواند. صدای مستقل همچنین با مغتنم شمردن دستاوردهای مبارزاتی کارگران در این اعتراضات بر پیگیری مطالبات پاسخ نگرفته که از جمله خلع ید از بانک ملی و اخراج مدیران



کارگران نفت حمایت کردند. نهادها و تشکلهای مختلف کارگری و اجتماعی بیانیه جمعی دادند و اعلام حمایت و پشتیبانی کردند. اما اینها به هیچ وجه کافی نیستند. و باید این همبستگی ها گسترده تر شود. برای مثال مبارزه علیه اعدام مبارزه کل جامعه علیه سرکوب

برای پیشروی انقلاب است. و ما باید شاهد این باشیم که یک بئر اعتراضی در تمامی تجمعات مبارزاتی کارگری و بخش های مختلف مردم بئر نه به اعدام باشد. و این اعتراض در تمام بیانیه ها، قطعنامه های کارگری و بخش های مختلف جامعه و در همه سخنرانی های تجمعات اعتراضی ای که بر پا میشود بر جسته باشد. همین اتحاد و همبستگی همچنین باید در حمایت بخش های مختلف کارگران و مردم از مبارزات و خواسته های یکدیگر در برابر حکومت شکل بگیرد تا بتوانیم ابزار سرکوب را از دست حکومت بگیریم و با قدرت بیشتری راه انقلاب خود را هموار سازیم. از این لحاظ بازنشستگان همبسته تر و متحد تر هستند. شعارهای آنها از جمله "شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد"، "شکری، کشوری، فولادی، تامین اجتماعی، اتحاد، اتحاد"، "درد ما، درد شماست، مردم به ما ملحق شوید"، پاسخی به همین ضرورت است. و آنها در عمل نیز خود پیشتاز این حرکت بوده و پرچم اتحاد طبقاتی کارگری را بدست گرفته اند. از جمله در همین مدت بازنشستگان تجمعات مشترکی را با یکدیگر بر پا کرده اند. برای مثال در همان روزی که محمد قبادی و فرهاد سلیمی اعدام شدند، ما شاهد تجمع بزرگی از سوی بخشهای مختلف بازنشستگان در کرمانشاه بودیم. و همانجا فریاد زدند که ننگ را با رنگ نمیشود پاک کرد و گفتند ما از خشونت و سرکوب نمیترسیم و پیگیر مطالباتمان هستیم.

**حسن صالحی:** به اعتراضات بازنشستگان اشاره کردید. در دهم بهمن ماه بازنشستگان کشوری در اهواز و کرمانشاه و یزد و پرستاران در ساری تجمع اعتراضی داشتند. بازنشستگان اعتراضاتی مداوم را به پیش میرند و هر هفته در روزهای مختلف تجمعاتی اعتراضی داشته اند. بازنشستگان چقدر در پیشبرد مطالبات خود پیشرفت داشته اند؟ آیا دولت اعتنایی به اعتراضات آنها کرده است؟ آیا نشانه هایی هست که در مقابل این انبوه اعتراضات بازنشستگان که یگانگی و همبستگی خوبی هم دارند، دولت عقب بنشیند و پاسخی بدهد؟

**شهلا دانشفر:** به نظر من یکی از پیشروی های بازنشستگان در اعتراضاتشان عقب زدن تا کنونی اجرای برنامه توسعه هفتم است که تعرضی به زندگی و معیشت آنها و کل جامعه است و فعلا منجمد شده است. ضمن اینکه آنها با اعتراضات وسیع خود سدی هستند برای جلو آمدن دوباره این برنامه و اجرایی شدنش. این اتفاق نشان میدهد که با قدرت اعتراضات متحدانه میشود تعرضات حکومت را عقب زد. مساله دیگر اینست که اقتصاد جمهوری اسلامی در چنگ باندهای دزد و مافیایی حاکم به ورشکستگی کامل رسیده است و مرتباً از خالی بودن خزانه دولت صحبت میکنند و ثروتهای به یغما رفته در جیب باندهای مختلف چپاولگری حکومت است. از جمله صندوق های بازنشستگی را خالی کرده اند. به این ترتیب لایحه بودجه لایحه حکومتی در سراسری سقوط و صرفاً برای چپاول بیشتر مردم و پروار کردن نیروهای سرکوب در برابر مردم معترض است. اما علیرغم اینها در برابر اعتراضات متوالی و قدرتمند بازنشستگان مرتباً ناگزیرند که نشست بگذارند و بالاخره کاری کنند. از جمله خودشان میگویند که بطور مثال دو میلیونی به حقوق بازنشستگان اضافه میشود و یا بحث افزایش بیست درصدی حقوقها هست. ولی می بینیم با این چیزها مشکل

از صفحه ۳

## اعتصاب و اعتراض علیه ...

دامنه ای کارگران اعتراضات کارگران ارکان ثالث هستیم. از نفت چه خبر؟

**شهلا دانشفر:** شرکت نفت و گاز گچساران و پالایشگاههای مختلف واقع در مجتمع گاز پارس جنوبی و نیز منطقه نفتخیز جنوب کانون های داغ اعتراضات کارگران ارکان ثالث در نفت هستند. کارگران شرکت نفت و گاز گچساران در این هفته دو روز پی در پی تجمع داشتند. دو خواست اصلی کارگران ارکان ثالث حذف پیمانکاران و افزایش حقوقهاست. که در جهت افزایش حقوقهایشان خواستار اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و یکسری آیتیم های مزدی شان هستند. تجمعات این کارگران علیرغم سرکوبگری های حراست و مدیریت صورت میگیرد. از جمله وقتی که در روز ششم بهمن ماه اعتراضات کارگران در یکی از پالایشگاههای پارس جنوبی با برخورد امنیتی حراست روبرو شد، فوراً در روز هفتم و هشتم بهمن کارگران ارکان ثالث در شرکت نفت و گاز گچساران در همبستگی با همکاران خود در آنجا تجمع بزرگی بر پا کرده و پیگیر مطالباتشان شدند. نکته قابل توجه در اعتراضات کارگران ارکان ثالث افزایش شرکت کنندگان در تجمعات اعتراضی آنها و گسترش دامنه و تداوم این اعتراضات است. این در حالیست که اعتراضات کارگران رسمی نفت نیز همچنان ادامه دارد و مرتباً شاهد تجمعات اعتراضی آنان در مناطق مختلف نفتی در شرکت فلات قاره، در شرکت بهره برداری نفت و گاز آماجاری و نیز در میان کارگران جدید الاستخدام در نفت هستیم. کارگران قراردادی نیز با خواست دائمی شدن قراردادهای کاری تجمعات متعددی داشته اند. بدین ترتیب اعتراضات در نفت هر روز گسترده تر شده و به لحاظ سازمانیافتگی کیفیت جدید تری بخود گرفته است. اعتراضات کارگران نفت بر سر دو خواست حذف پیمانکاران و لغو قراردادهای موقت که ساختارهای اساسی جمهوری اسلامی در این مرکز کلیدی کارگری و در سطح جامعه هستند نیز خود یک اتفاق مهم در جنبش کارگری است. بنابراین وقتی به همه این اتفاقات نگاه میکنید می بینید که چه تکانی در نفت ایجاد شده است و اعتراضاتی در این ابعاد نیز خود یک تو دهنی بزرگ به سرکوبگری های حکومت و نشانگر عمیق شدن شکاف در فضای پادگانی این شاهرگ اقتصادی جمهوری اسلامی است. در بستر این شرایط است که آن اعتصابات عمومی که در کردستان شاهدش بودیم و کارزار جهانی و مردمی علیه اعدامها جای و مکان خود را پیدا میکنند. به این معنا این اتفاقات نشانگر مساعد تر شدن شرایط برای رفتن بسوی اعتصابات سراسری در نفت و در سطح جامعه و بسوی تجمعات سراسری است و با این تصویر باید به استقبال آن رفت.

**حسن صالحی:** این دو واقعه کارگری در نفت و در فولاد که اینجا مرور کردیم، در اهواز و گچساران و عمدتاً در مناطق نفتی در جنوب کشور جریان دارند. که حتی به لحاظ جغرافیای هم فاصله زیادی از هم ندارند. چرا نباید این اتفاق بیفتد که مثلاً کارگران ارکان ثالث نفت از کارگران فولاد و کارگران فولاد از اعتراضات در نفت پشتیبانی کنند. و پیامهای همبستگی آنها به یکدیگر بتواند به زمینه سازی برای اعتراضات سراسری که در موردش صحبت شد کمک کند؟

**شهلا دانشفر:** این نکته شما یک تاکید به جایی است. در برنامه های قبل هم در این مورد اشاراتی داشتیم. اتحاد مبارزاتی بخش های مختلف کارگری با هم، پیامهای حمایتی دادن از مبارزات یکدیگر و حتی اعتراضات مشترک و همزمان بر پا کردن همه و همه ممکن است. و به نظر من اوضاع دارد به آن سو میروند. ما بعضاً در جاهایی نشانه هایی از آن را دیده ایم. وحتماً باید این اتفاق روی دهد. در همین راستا بود که ما اعلام کردیم که مهم است از اعتراضات کارگران نفت حمایت سراسری شود. حمایتی هم انجام گرفت. از جمله تشکلهای دانشجویی از اعتراضات

## ۱۵ بهمن: تجمعات بازنشستگان تامین اجتماعی و فولاد و دو خبر دیگر



معیشتی و کاری خود در مقابل استانداری تجمع کردند. سطح نازل حقوقها و تاخیر در پرداخت آن، تبعیض در پرداخت تعرفه‌های پرستاری و اجرایی نشدن کامل آن، فشار سنگین کاری و اضافه کاریهای اجباری، اخراجها و قراردادهای پیمانی از جمله موضوعات اعتراض پرستاران است که بخاطر آن تجمعات بسیاری داشته اند. در تجمع روز چهاردهم بهمن در خرم آباد پرستاران در اعتراض به فقر و دزدی ها شعار میدادند: "وعده وعید کافیه سفره ما خالیه"، "تعرفه ما کجاست توی جیب شماهاست". در این روز همچنین کارگران شهرداری نوش آباد از توابع شهرستان آران و بیدگل در اصفهان به دلیل معوقات مزدی تجمع و اعتراض کردند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۵ بهمن ۱۴۰۲، ۴ فوریه ۲۰۲۴

امروز پانزده بهمن بازنشستگان تامین اجتماعی در اعتراض به وخیم تر شدن هر روزه وضع معیشتی خود و برای پیگیری مطالباتشان مثل یکشنبه های هر هفته در شهرهای مختلف تجمع کردند. این تجمعات و اعتراضات در شهرهایی از جمله شوش، کرمانشاه، اهواز و اراک برگزار شدند.

تجمع اعتراضی بازنشستگان تامین اجتماعی کرمانشاه با همراهی جمعی از بازنشستگان فرهنگی و مخابرات انجام شد. یک بنر برجسته این تجمع با نوشته "لشکری، کشوری، تامین اجتماعی" اتحاد اتحاد " بود که جمعیت ۲۵ میلیونی بازنشستگان در سطح سراسری را به اتحاد فرا میخواند. در این تجمع بازنشستگان بر سر خواسته‌هایشان سخنرانی داشتند. یکی از این بازنشستگان در اعتراض به بیمه تکمیلی و بی تامینی ها گفت: "سوال اینست چرا بجای بیمه رایگان (ماده ۵۴)، بیمه تکمیلی به ما تحمیل شده است؟ یک مطالبه سراسری بازنشستگان بیمه رایگان است که بر روی دست نوشته‌هایشان نقش بسته است.

در اهواز بازنشستگان مقابل درب اداره کل سازمان تامین اجتماعی این شهر تجمع و با فریاد شعارهای اعتراضی خود تا میدان فرهنگ شهر راهپیمایی کردند. همزمان با بازنشستگان تامین اجتماعی، بازنشستگان فولاد نیز در این روز در شهرهای اصفهان و تهران تجمع داشتند. در اصفهان بازنشستگان فولاد با شعار "آقازاده ها آمریکا، گرونی اش مال ما" بساط چپاول و تبعیض و نابرابری را به چالش کشیدند.

اعتراضات در میان بخش های مختلف کارگران وسیع است. از جمله روز گذشته چهارده بهمن جمعیت قابل توجهی از پرستاران در خرم آباد در اعتراض به مشکلات

فولاد اهواز منتشر شده است، یک شعارشان بر سر مضحکه انتخاباتی جمهوری اسلامی بود که قرار است در اسفند ماه برگزار شود. کارگران باید موضعشان چه باشد؟

**شهلا دانشفر:** فقط فولاد اهواز نیست. بازنشستگان، کشاورزان و هر بخشی از جامعه که در اعتراض بوده با سردادن شعاری چون "ما هرگز رای نمیدیم، در واقع حکم به رفتن این حکم میدهد. با این شعار مردم دارند میزند توی دهن حکومت. معنای واقعی این شعار "حکومت اسلامی نابود باید گردد" است که در انقلاب زن زندگی آزادی فریادش سر داده شد. بنابراین بحث مردم و کارگران بر سر رای نیست. مردم میدانند که مجلس جمهوری اسلامی یک طویله است و محل تصویب لوایح ضد انسانی، جنایتکارانه و تعرضی حکومتی علیه آنان است. مردم میدانند که دستگاه قضایی حکومت ماشین سرکوب و جنایت است. مردم علیه مجلس و دستگاه قضایی و کل این سیستم مبارزه میکنند. مردم با شعار زن زندگی آزادی، فریاد مرگ بر دیکتاتور، جمهوری اعدام نمیخوایم نمیخوایم را سر دادند. در دیوار شهرهای این کشور به رنگ این اعتراضات در آمده است. بنابراین بحث اصلی کارگران با این حکومت اینست که گورت را گم کن و برو. برای مثال در یکی از همین نمایش های مسخره تریبون آزادی جمهوری اسلامی در خیابان، عابری میکروفون را میگیرد و در آن حرف مردم را میزند و میگوید من به این اعدامها رای نمیدهم. به سرکوبها رای نمیدهم. به فقر و بیکاری و بدبختی و بی منزلتی رای نمیدهم. همانجا آخوندی هم ایستاده بود و وقتی میخواستند میکروفون را از او بگیرند با اعتراض گفت بگذار حرفم را بزم. اینها حرف کارگران و مردم است. جمهوری اسلامی با کل بساط اعدام و سرکوب و جنایاتش باید گورش را گم کند و برود. این حرف مردم است.

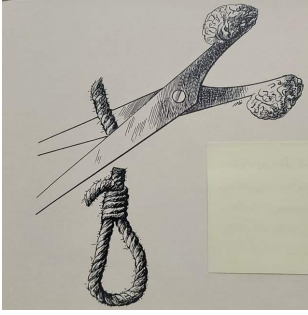
از صفحه ۴

## اعتصاب و اعتراض علیه ...

بازنشسته حل نمیشود. از جمله در تجمعی در اهواز بود که یکی از بازنشستگان در سخنرانی اش فریاد زد و گفت مساله من بازنشسته افزایش دو میلیون تومان به حقوقم نیست و برای این هم به خیابان نیامده ام. آنهم با این گرانی و تورم. با تورم چه میکنید. آیا مهارش کردید؟ و بعد ادامه داده و گفت مساله من کلان است. مساله من فقط دستمزد نیست. مساله من فقر است. تبعیض است. اختلاسها و دزدیهاست و بخاطر اینها به خیابان می آیم و دیدیم که صحبت های او با کف زدن جمعیت معترض بازنشستگان پاسخ گرفت. از این زاویه که نگاه کنید. می بینید که بازنشستگان خیابانها را به عرصه نبرد خود علیه فقر و تبعیض و نابرابری تبدیل کرده و صدای اعتراض همه مردم و نقطه امیدی برای جامعه هستند. بازنشستگان با مبارزاتشان سهم مهمی در بهبود توازن قوای سیاسی جامعه و داغ نگاهداشتن اعتراض در کف خیابان داشته اند. با تعیین روزهای ثابت اعتراضی در هفته الگویی برای همه مردم معترض شده اند و از جمله اکنون شاهد اعلام روزهای اعتراض از سوی بخش های مختلف کارگران معترض در نفت هستیم. به باور من همه اینها پیشروی های مبارزاتی بازنشستگان است. و وقتی این اتفاقات را کنار هم میگذارید می بینید که یک اركستر هماهنگ به زیبایی مینوازد برای اینکه به جهنم جمهوری اسلامی خاتمه دهد. مردم جانشان به لبشان رسیده است. جمهوری اسلامی را نمیخواهند و امروز با ایستادن در مقابل این بساط زندان و اعدام و سرکوب تلاش میکنند که راه پیشروی برای خلاصی از چنگ جهنم جمهوری اسلامی را برای خود باز کنند. همین خبرها و اتفاقاتی که در موردش صحبت کردیم گویای این حقیقت است.

**حسن صالحی:** به عنوان آخرین سوال ویدئو کلیپهایی که از اعتراضات کارگران

## کارگران بر علیه اعدام کارگر کارگاهی - حمید دائمی



جلب کرد. کارزاری که در عمومیت بخشی و فعال کردن بخش وسیعی از جامعه، حول یکی از اهداف انقلاب (مندرج در منشورهای اخیر) که همانا "لغو مجازات اعدام" است آنهم در شرایطی که هنوز تا پیروزی انقلاب گام های دیگر باقی مانده است، بسیار مهم بود. اقدامی در جهت زنده و پرشور

نگهداشتن اهداف و شعارهای انقلاب "زن زندگی آزادی" و دفاع از دستاوردهای انقلاب و گرفتن ابزار اعدام و سرکوب از دست حکومت برای پیشروی انقلاب. اقدامی که بازتاب جهانی داشت و بار دیگر جنبش انقلابی "زن زندگی آزادی" را بر سر زبانها آورد و یک دستاورد مهمش جنبش "نه به اعدام است" که صدایش رساتر از هر جا در زندانهای حکومت بلند شده است. به مبتکران و دست اندرکاران آن می بایست درود فرستاد.

در ایران صدور بیانیه "علیه اعدام" ۱۰ تشکل کارگری، زنان و فعالان اجتماعی، (۲ ژانویه - ۱۳ دی ماه) سرآغاز جدیدی در جنبش مبارزه علیه اعدام شد. همچنین بیانیه های اعتراضی بسیاری از سوی دیگر تشکلهای کارگری و اجتماعی همچون کانون نویسندگان، تشکل های دانشجویی و سندیکاها و چند تشکل مستقل کارگری و بازنشستگان انتشار یافت که کیفرخواستی مردمی علیه اعدام بودند.

در ادامه مرحله ی دیگری از جنبش "نه به اعدام" که با فراخوان دو حزب سیاسی شناخته شده پر قدرت حزب کمونیست کارگری و حزب کمونیست ایران به اعتراض علیه اعدامها را داشتیم. در شهرهای بزرگ دنیا آکسیون ها، میتینگ های بسیاری بر پا بود و سمینارها و کنفرانسهای متعددی شکل گرفتند که هم اکنون نیز در حال اجراء است. کارزار علیه اعدام در ایران ابعادی اجتماعی پیدا کرد و با موج استقبال عمومی کاربران در شبکه های اجتماعی روبرو شد و اوج آن همراهی زندانیان زن زندان اوین، نهاد دادخواهان و خانواده های دادخواه، زندانیان سیاسی خارج از زندان، همراهی با اعتصاب زنان زندانی بیش از ۱۷۰ تن از فعالان کارگری، اجتماعی، معلمان، بازنشستگان و دیگر اقشار و بیانیه ۱۰ نفر از زندانیان از زندان قزل حصار در همراهی با اعتصاب غذای زنان زندانی اوین را داشتیم. و یک ابتکار مهم از سوی زندانیان قزلحصار که مرکز بسیاری از اعدامهاست اعلام اینکه هر سه شنبه اعتصاب خواهند کرد است که تأکیدی بر تداوم مقابله با اعدامها بود.

اعدام ۴ جوان زندانی سیاسی در کردستان آتش خشم مردم در کردستان را شعله ور تر کرد. اعتصاب سراسری در کردستان علیه اعدام این ۴ تن زندانیان سیاسی و خواست توقف فوری اعدام ها و آزادی زندانیان سیاسی با فراخوان نهادهای اجتماعی و احزاب سیاسی و نیز اعتصاب ۲ روزه شهرستان سمیرم در اعتراض به احکام اعدام ۲ کارگر زندانی سیاسی انقلاب مهسا، بنام های فاضل و مهران بهرامیان؛ نقطه درخشان جنبش عظیم انقلابی علیه اعدام ها بود. همزمان میتینگ های اعتراضی در خارج کشور نیز شکل گرفتند. بدین ترتیب خارج و داخل متصل به یکدیگر علیه اعدامها به پا خاستند. باید اذعان کرد، عدد این اتفاقات و حرکت ها آنچنان زیاد است که نیازمند یک جمع بندی دقیق و شایسته است تا بتوان بعنوان یک دستاورد و تجربه مدرن از مبارزه با سیاست ترور و سرکوب در یک کشور به همه جهان ارائه کرد.

دور جدید حرکت "نه به اعدام" که با ۲ الگوی تأثیر گذار، یعنی فعالیت متحدانه و سراسری (در داخل و خارج) و هم برپایی اعتصاب در هر جایی که توازن قوا امکانش را میداد؛ غیر از اینکه روحیه و توان "جنبش انقلابی زن زندگی آزادی" را به درجات

مجازات اعدام در هر نقطه ای از جهان، نماد تعرض حاکمان بر پایه ای ترین حق انسان؛ یعنی حق حیات است. اعدام آشکار ترین نشانه پوسیدگی و عقب ماندگی سیستم سرمایه داری است که با تحمیل قوانین قرون وسطایی و ایجاد رعب و وحشت در تلاش برای کنترل جامعه از طریق سلب حیات است.

اسم رمز حکومت در ایران "اعدام" است که با دیگر ابزارهای سرکوب همچون سنگسار، قطع عضو، قتل های زنجیره ای، پنهان سازی قهری و ... سلطه تنگین خود را به درازا کشانده است. در طول ۴۵ سال از حاکمیت جمهوری اسلامی، در مقاطع گوناگون و با حربه های کثیف مختلف، جوانان و مردم را به پای چوبه های دار و جوخه های اعدام کشانده است.

اینبار اما حکایت متفاوت است. از یک سو حاکمیت دریافته است که چیزی به پایان حکومت تنگینش باقی نمانده است و بوی گندیدگی خویش را بیش از پیش حس می کند. و خود بهتر از هر کسی می داند که نه تمایل و نه توان تغییر در شرایط اقتصادی و معیشتی جامعه را ندارند. از آن سو مردم هم توهمی به این قضیه ندارند و بدرست میدانند که خواسته هایشان تنها با تغییر در بنیان های اقتصادی - اجتماعی میسر می شود. مطالبات معیشتی مردم روزی نیست که از طریق اعتصاب، راهپیمایی، تحصن و ... بر سرشان آوار نشود. ضمناً قادر به کنترل اوضاع سیاسی و اجتماعی هم نیستند. چرا که از یک و نیم سال پیش انقلابی شکل گرفت در ادامه چهل و چند سال کنش و واکنش، که سر باز ایستادن ندارد و همه اقشار و طبقات را بر سر سرنگونی متقاعد و متفق القول کرده است. از آغاز "انقلاب مهسا" همه تلاش های رژیم برای به عقب کشیدن خواست جامعه با شکست مواجه شده و تنها گفتمان موجود در میان مردم و زحمتکشان، "انقلاب زن زندگی آزادی" است.

در این شرایط آخرین ابزاری که برای حاکمیت باقی مانده، سرکوب است که شیرازه این آخری هم در حال فروپاشی است و خشن ترین شکل آن، یعنی اعدام را در کنار بگیر و ببند و تهدید و محدودیت های دیگر در دستور خود گذاشته است. تا به خیال خود هم از انقلاب و انقلابیون که در صف اول آن زنان انقلابی قرار دارند، انتقام و زهر چشم گرفته باشد و از این طریق چند صباحی جامعه را مرعوب کرده به عقب براند و هم در فاصله فرصت باقی مانده تا خیزش قریب الوقوع بعدی که از رگ گردن به او نزدیکتر است؛ به غارت و چپاول به روال همیشگی خویش ادامه دهد.

از نگاه آمار، اعدامها نسبت به سال قبل افزایش نگران کننده ای داشته است. طبق آمار (مانیتورینگ حقوق بشر ایران) در سال ۲۰۲۳ تعداد ۸۵۰ نفر به چوبه های دار آویخته شدند. ۲۵ نفر آنان زن و ۵ نفرشان کودک بودند که یکی از آنها به نام حمید آذری ۱۷ ساله و ۴ نفر دیگر هنگام دستگیری کودک بودند. تنها در دی ماه گذشته ۹۰ نفر؛ یعنی به ازای هر روز ۳ نفر اعدام شده اند. آنچه که در این آمار پنهان مانده، جایگاه شغلی و اقتصادی اعدامیان است. اکثر آنان از کارگران و زحمتکشان معترض و یا محرومانی از لایه های زیرین و قعر "جهنمی" بودند که جمهوری اسلامی پدید آورده و آنان را وادار به ارتزاق از طرق غیر معمول نموده بود. به لیست زندانیان با حکم اعدام نگاهی بیاندازیم خواهیم دید؛ تعداد قابل توجهی از آنان کارگران و مزدبگیران معترضی هستند که در دفاع از انقلاب مهسا در کشتارگاه های رژیم اسیر شده اند.

در مقابل این موج کشتار وحشیانه و برای توقف اعدام ها جنبش علیه اعدام با قدرت بیشتری قد علم کرد. کارزاری جهانی علیه اعدامها شکل گرفت که یک سرش ایران و سر دیگر در کشورهای مختلف جهانی بود. اقدامی تحولساز که دست جان تازه ای به جنبش سرنگونی بخشید و توجه جامعه را به مبارزه فعال در این زمینه



با چه قساوتی خانواده ها را عزادار کردند، ما راهی جز ایستادن نداریم، همه باید دست در دست یکدیگر بگذاریم به هر طریقی که میتوانیم باید عمل کنیم، #اعتصاب سراسری میتواند یک راه تاثیر گذار باشد، بیایید پیش از آنکه از هر خانه، کسی را بالای دار برده باشند اقدام کنیم.

حزب کمونیست کارگری تلاش گوهر عشقی و تمام دادخواهان علیه اعدام را ارج می نهد و از آن فعالانه حمایت میکند. حزب همه مردم را به مبارزه علیه اعدام و جنایات حکومت اسلامی به هر شکل ممکن بویژه از طریق اعتصاب عمومی و اعتصابات سراسری فرا میخواند.

نابود باد حکومت اعدام و زندان!

حزب کمونیست کارگری ایران-۱۲ بهمن ۱۴۰۲-۱ فوریه ۲۰۲۴

## جنبش سراسری علیه اعدامها را گسترش دهیم

جمهوری اسلامی در هفته های اخیر به جنایات و اعدامهایش شدت داده و شماری از زندانیان سیاسی را وحشیانه به چوبه اعدام سپرده و همچنین اعدام زندانیان جرائم عادی را گسترش داده است.

این جنایات بیش از پیش خشم عمومی را در سراسر کشور علیه جانان حاکم برانگیخته و به جنب و جوش و گفتمان گسترده‌ای علیه اعدامها در سراسر کشور دامن زده است. اعتصاب غذای ۶۱ زندانی سیاسی زن در اعتراض به اعدام محمد قبادلو و فرهاد سلیمی که مورد حمایت گسترده نهادها و چهره‌ها و فعالین جنبشهای اعتراضی قرار گرفت، و بدنبال آن اعلام سه شنبه‌های اعتراض و اعتصاب از سوی زندانیان عادی و حمایت زندانیان سیاسی از این حرکت، سرآغاز موج تازه‌ای در جنبش علیه اعدام است که با اعتصاب عمومی در شهرهای کردستان و همچنین در سمیرم علیه اعدامها اوج تازه‌ای گرفت. در همین رابطه گوهر عشقی مادر کارگر جانباخته ستار بهشتی با اشاره به حکم اعدام عباس دریس کارگر معترض و شاهد کشتار نیزار ماهشهر، به اعتصاب سراسری علیه اعدامها فراخوان داده است. او در پیام خود نوشته است:

"ملت ایران، فرزندان عزیزم هر روز صبح مطلع میشویم که این حکومت شوم برای گردن فرزندان مان طناب دار آماده کرده است، روزهای گذشته را شاهد بودید که

از صفحه ۶

## کارگران بر علیه اعدام...

قابل توجهی افزایش داده و شور و شوق زایدالوصفی را درون توده های مردم و بویژه کارگران بازآفرینی کرد، توخالی بودن هرچه بیشتر رژیم را به رخ جامعه کشید. چنانکه بسیاری از راپورتچی ها و مخبرهای بظاهر دلسوز مردم دست به انتقادهای شدید تر از سیاست سرکوب و ترور جمهوری اعدامی میزدند. این علانم ذیلی و پوشالی بودن حاکمیت کشتار و خفقان را به رخ جامعه کشید.

در این برهه از زمان نقش احزاب سیاسی از جمله حزبی چون حزب کمونیست کارگری نمایان است. که با دخالتگری فعال خود توانستند بار دیگر صفوف جنبش انقلابی را حول خواست مترقی "نه به اعدام" و "آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی" متحد و فعال کنند و بخش های بزرگی از جامعه را؛ از کارگران و معلمان گرفته تا دانشجویان و دانش آموزان را حول این محور در مقابل وحشیگری حکومت جلادان بکشانند.

گرچه تا به ثمر رساندن نهایی انقلاب کارگری و انسانی گام هایی مانده است. اما جنبش "نه به اعدام" هم توان سازماندهی و ثابت قدمی ما کارگران و زحمتکشان را دوباره آشکار کرد و خالی بودن دست جریانات راست و بی ربط به انقلاب را رو کرد، و هم عرض اندام جنگنده و ضرب شست پر قدرتی را به جمهوری اسلامی و اعوان و انصارش به نمایش گذاشت.

برای ما کارگران این الگوها هر روزه قابل استفاده است و ما تا لغو کلیه احکام ظالمانه و آزادی همه همزمانمان از بند رژیم حاکم و به زانو درآوردن رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی و نوچه ها و جیره‌خوارانش دست از مبارزه و مقاومت نخواهیم کشید. این همه شور و شوق در مقابله با مقوله اعدام بیسابقه و تاریخی است. جمهوری اسلامی تصور می کرد، اینبار هم مثل گذشته، اعدام می تواند جامعه را به عقب براند و سدی در مقابل مسیر انقلاب شود. اما این موج انقلابی سر آرام گرفتن نداشته و حرف آخر خود را همان اول راه فریاد زده است و تا ریشه کنی آخرین اثرات جمهوری اسلامی و سرمایه داری حاکم، از پا نخواهیم نشست. زنده باد انقلاب انسانی، زنده باد انقلاب کارگری (۱۴ بهمن ۱۴۰۲)

## از اعتصاب غذای زندانیان قزل حصار فعالانه حمایت

### میکنیم

زندانین قزل حصار در اعتراض به اعدامها اعلام کرده‌اند که هر هفته در سه‌شنبه‌های سیاه دست به اعتصاب خواهند زد. حزب کمونیست کارگری از این حرکت قاطعانه حمایت میکند و کلیه زندانیان و فعالین سیاسی، تشکلها و نهادهای مختلف مردمی را به حمایت از اعتصاب زندانیان قزل حصار فرامیخواند.

همچنان که شاهد بودیم اعتصاب غذای یک روزه زنان زندانی سیاسی با موجی از حمایت از طرف فعالین سیاسی روبرو شد و تاثیر قابل توجهی در دامن زدن به فضای اعتراض علیه اعدام در جامعه ایفا کرد. اعتصاب اعتراضی علیه اعدام در روز سه‌شنبه هر هفته از سوی "زندانین اعتصابی سه‌شنبه‌های سیاه زندان قزل حصار"، به این حرکت تداوم می بخشد و میتواند با حمایت فعال سایر زندانیان و تشکلها و فعالین سیاسی اهمیت زیادی در گسترش جنبش علیه اعدام در فضای سیاسی امروز جامعه ایفا کند. اعتراض و اعتصاب زندانیان قزل حصار شایسته حمایت گرم و همه جانبه همه مردم معترض در داخل و خارج کشور است.

زنده باد زندانیان معترض زندان قزل حصار

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۵ بهمن ۱۴۰۲، ۴ فوریه ۲۰۲۴





## وقاحت وزیر کار: تلاش داریم حقوقها را به خط فقر برسانیم! مهران محبی

سران دزد و فاسد جمهوری اسلامی در پاسخگویی به مشکلات معیشتی و معضلات عمومی مردم، هیچ حد و مرزی از وقاحت و بی شرمی نمی شناسند. عنوان تیترو نوشته حاضر، صحبت‌های پاسدار سید صولت مرتضوی وزیر فاسد تعاون، کار و رفاه اجتماعی در رابطه با احتمال افزایش ۲۰ درصدی حداقل دستمزد کارگران برای سال ۱۴۰۳ است که از طرف کل دستگاه دولت باد به غیغ می اندازد که دارند تمام تلاششان را بکار می گیرند تا میانگین افزایش حقوقها برای سال آینده را به بیشتر از ۲۰ درصد برسانند و حداقل دریافتی ها را تا خط فقر افزایش دهند تا به گفته این پاسدار جنایتکار و دزد به سفره های حداقل بگیرها آسیب وارد نشود.

اراجیف ضد زندگی و رفاه و آسایش مردم که امروز توسط صولت مرتضوی نشخوار می شود مسبق به سابقه است و بارها دیگر مرتجعان و فاسدان نظام اسلامی آنرا به زبان آورده اند.

خمینی بنیانگذار حکومت که می گفت اقتصاد مال خر است و حالا برای به جا مانده های فاسد و جنایتکارش هایش نه حقوق، بلکه به آنها بودجه صدها میلیاردی سالانه اختصاص داده می شود. آخوند مصباح یزدی فسیل مجتهد به خدا و خمینی پیوسته که می گفت ما برای رفاه و آسایش انقلاب نکردیم، علی مطهری نماینده مجلس اسلامی که همین چرندیات عوامفریبانه را تکرار می کند، امیر فولادی رئیس سازمان حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس که علاوه بر این، اضافه می کند که ما برای ظهور امام زمان انقلاب کردیم و بالاخره آخوند علم الهدا که در پاسخ به گرانی و نبود گوشت مرغ توصیه خوردن اشکنه با پیاز به مردم می کند، همه نمونه هایی از این نشخوار های جانیمان و فاسدان عبا و عمامه ای و ریشوهای متحجر کت و شلواری حکومتی از ابتدای استقرار رژیم تا کنون برای توجیه تباه نمودن زندگی و رفاه مردم بوده و روح و روان جامعه را رنجور کرده است.

سران حکومت که برای تحمیل فقر و فلاکت بر مردم توجهات ایدئولوژیکی و فقهی می تراشند، برای خود اشرافیت های مالی و اقتصادی به هم زده و با پول و ثروتهای اجتماعی ای که چپاول کرده اند فرزندانانشان در کشورهای اروپایی و آمریکا و کانادا از زندگیهای شاهانه بهره مند کرده اند.

اساس صحبت فاسدان حکومتی رو به جامعه این است که زندگی فقیرانه مردم امری عادی و سرنوشتی از پیش تعیین شده و خلاصی ناپذیر است که باید پذیرفته شود. بر این اساس است که پاسدار وزیر کار به خود اجازه می دهد که رساندن به خط فقر سطح دستمزد کارگر را یک آوانس دست و دل‌بازانه به کارگران در سایه تلاش و زحمت خود و دیگر اعضاء کثیف دولت به حساب می آورد.

وزیر کار جانی و وقیح در ادعای اخیرش هیچ ابائی از دروغگویی ندارد! می گوید با میانگین افزایش ۲۰ درصدی حداقل مزد، حقوق حداقل بگیران به خط فقر می رسد.

باید به این مهره و همه سران حکومت به خاطر از حد به در بودن وقاحتشان تف انداخت. حداقل حقوق ۵ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان و حداقل دریافتی فعلی کارگر با دو فرزند معادل ۸ میلیون و پانصد هزار تومان است، در حالیکه طبق آمارهای رسمی خودشان

که در خرداد ماه سال جاری توسط عضو کمیسیون اقتصادی مجلس اعلام شده، خط فقر در تهران به ۳۰ میلیون تومان در ماه رسیده است.

در مقایسه با خط فقر رسماً اعلام شده، با حسابی که مرتضوی دزد برای مزد کارگران کرده، حداقل دریافتی کارگران در سال آینده در خوشبینانه ترین حالت به ۹ میلیون و پانصد هزار تومان خواهد رسید. این مبلغ نسبت به خط فقر رسماً اعلام شده در خرداد ماه گذشته هنوز هم به یک سوم آن نمی رسد و باید سه برابر و نیم شود تا به خط فقر ۸ ماه پیش برسد. در حالیکه همه ما کارگران و مردم می دانیم که خط فقر واقعی چند برابر رقم اعلام شده توسط کمیسیون اقتصادی مجلس است. اما این جانوران درنده با انکار فاجعه معیشتی ای که بر جامعه حاکم کرده اند، برای به زعم خودشان راضی و آرام کردن ده ها میلیون انسان، چشم در چشم کارگران می دوزند و دروغ می گویند.

اما پاسخ شاغلین و بازنشستگان به حکومت و دولت و اراذل و اوباشش چه هست؟ "معیشت، منزلت حق مسلم ماست" و "رفاه و آسایش" و "افزایش حقوق متناسب با تورم واقعی" است که هر روزه در اعتراضات و اعتصابات کارگران، معلمان و پرستاران و در تجمعات بازنشستگان رو به حکومت با تأکید و اصرار و با قاطعیت اعلام می شوند.

این پاسخ ده ها میلیون کارگر و زحمتکش شاغل و بازنشسته به مزخرفات جانورانی مانند صولت مرتضوی است که می کوشند با حرفهای شبهه روضه خوانی در فقر زیستن اکثریت مردم را سرنوشت ازلی و ابدی و تقدیری در گوش جامعه فرو و به باور اجتماعی تبدیل کنند.

در برابر این روضه خوانیهای عوامفریبانه و بسیج دستگاه حاکمیت برای تحمیل حقوقهای چندین برابر زیر خط فقر بر طبقه کارگر و فقر و گرسنگی بر اکثریت مردم، جنبشی قدرتمند در کارخانه و خیابان در جریان است که برای زندگی و برای رفاه و آسایش و منزلت انسانی می جنگد. به قول بازنشستگان جنبشی که به خونخواهی زندگی از نظام و حکومت زندگی کش مبارزه می کند.

مضمون این جنبش دفاع از زندگی در مقابل حکومت دزدان و فاسدان که با شعار کلیدی و اساسی "منزلت، معیشت، حق مسلم ماست" نمایندگی می شود، در نهایت سرنگون کردن جمهوری اسلامی است. اما جنبه فوری و برای همین امروز آن، این است که حقوق شاغل و بازنشسته طبقه کارگر باید برابر با حقوق نمایندگان دزد و مفتخور مجلس باشد و ده ها میلیون بیکاری که تعداد دقیق آنها بیشتر از ۳۰ میلیون نفر رسماً اعلام شده است باید از بیمه بیکاری معادل شاغلین برخوردار باشند.

مطالبه افزایش دستمزد و اعتراض به حقوقهای زیر خط فقر، خواست دیرینه کارگران است. اما در مدت دو سال گذشته بخشهای زیادی از کارگران از جمله کارگران قراردادی، ارکان ثالث و قراردادی، بازنشستگان، معلمان و پرستاران مبارزات و اعتراضات سازمانیافته و مستمری را ادامه داده و آنچنان سطحی از همبستگی و قدرت توده ای را به میدان آورده اند که وحشت در دل حکومت انداخته اند.

این مبارزه را باید با خواست افزایش دستمزد برابر با حقوق نمایندگان مجلس، سراسری تر و عمومی تر کنیم و حکومت را مجبور به عقب نشینی کنیم.

## کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست





## آگاهی طبقاتی، مبارزه بازنشستگان و دلواپسی برخی ها

یاشار سهندی

یک بازنشسته تامین اجتماعی، ولی الله اکبری نامی، در یادداشتی ارسالی برای کانال تلگرامی شورای بازنشستگان ایران با اشاره به نکاتی مهم و درستی در رابطه با سازمان تامین اجتماعی که چگونه دولت بر این سازمان دست درازی کرده و همه امور آنرا به دست گرفته است تاکید کرده که این سازمان باید توسط خود بازنشستگان و کارگران اداره شود و تصمیم گیرنده در مورد همه چیز این سازمان باید آنها باشند و دست دولت از این سازمان کوتاه شود. نهایتاً اما ایشان "دست یاری به سوی" شکل دست ساز دولتی، "کانون بازنشستگان" دراز کرده و از ایشان خواسته "سیطره کامل دولت" بر این سازمان را قطع نماید. و شورای بازنشستگان ایران در جواب ایشان نوشته است:

"جناب ولی الله اکبری، بازنشسته تامین اجتماعی!... کانون های بازنشستگی طی چهار دهه کارنامه منفی در دفاع از حقوق بازنشستگان دارند. این کانون ها خود بخشی از صورت مسئله اند، نه حل آن. با عنایت به صحبت ها و انتقادات درست شما، لطفاً بازنشستگان را دنبال نخود سیاه نفرستیم و از شعار خود بازنشستگان که در روزهای هر هفته فریاد میزنند «فقط کف خیابون، بدست میاد حقمون» پیروی کنیم که این راه مستقیم، منافع کارگران شاغل و بازنشسته را بهتر تامین خواهد کرد. از کانون های بازنشستگی آبی برای ما گرم نخواهد شد."

مبارزات بازنشستگان در کف خیابان بی وقفه ادامه دارد. نوک این مبارزات متوجه دولت جمهوری اسلامی است که سایه شوم فقر و مصیبت را بر سر آنان روز بروز بیشتر میگستراند. کشیده شدن این مبارزات به کف خیابان یک دلیل آن این بوده که بازنشستگان که طی سالیان دراز متوجه شدند که تشکیلاتی که به نام کانون بازنشستگان فعالیت میکند زنده خانه کارگر است و تمام حواسش به منافع دولت و سازمان تامین اجتماعی است. مبارزات کف خیابونی بازنشستگان کاملاً چهره این تشکیلات را عریان کرد و نشان داد این تشکیلات تنها هدفش پی نخود سیاه فرستادن بازنشستگان است. اما کسانی از جنس "حسین اکبری" از این مبارزات کف خیابان و سازمان دهی از طریق "دنیای مجازی" به شدت ناراضی است و جالب اینجاست به این تشکیلات رهنمود میدهد از همین مبارزات برای چانه زنی و فشار "انرژی" بگیرند!

این تشکیلات به مانند خانه کارگر ابزاری برای فریب و تطمیع است؛ حسین اکبری اما سعی میکند برای این تشکیلات با یادآوری تلاش "کادرهای سندیکایی بازنشسته از چند سندیکای باسابقه و خوشنام" برای شکل گیری آن، اعتباری فراهم آورد. اما از همان ابتدا خانه کارگرها به رهبری حسن صادقی چاقو کش همه چیز را به نفع خود مصادره میکنند. خود حسین اکبری به نمونه ای اشاره میکند که این کانون حتی ابزار مستقیم سرکوب بازنشستگان است: "... مورد اخیر آن در تاریخ ۱۲ آذر ۱۴۰۲ روی داده است. بدین صورت که سه نفر که گفته می شود از بازنشستگان بوده اند، به کانون مراجعه می کنند و به گفت و گو با هیئت مدیره کانون می پردازند. گرچه جریان گفت و گو مشخص نیست، اما عضو هیئت مدیره به خود اجازه می دهد که از این بازنشستگان به پلیس طرح شکایت کند و آن ها را به بازداشتگاه و از آنجا به اوین ببرند و سپس با تعهد از آن سه نفر از سوی پلیس مبنی بر عدم مزاحمت رها می شوند." با این وجود ایشان با "نگاه نقادانه" در پی شفاف سازی از اساسنامه این تشکیلات است تا به کمک آن شاید بشود فشار "مبارزات فضای مجازی" را به نفع کانونی این چنین سرکوبگرانه هدایت کند.

با عرض معذرت از حسین اکبری، ایشان در مقاله "کانون بازنشستگان در بوته

نقد!" برای تشکیلاتی که ابزار تطمیع و سرکوب بازنشستگان است صرفاً روده درازی نموده و بیش از این لازم هم نیست به آن پرداخته شود. اما باید به یک نکته حتما اشاره شود. ایشان با وجود آگاه بودن به اینکه "بدنه کارگری" این تشکیلاتهای سیاه نتیجه یک عضویت داوطلبانه نیست بلکه یک اجبار است، نگاهش اما همیشه به "بدنه کارگری" این تشکیلاتهای سیاه است. کارگر و بازنشسته برای برخوردار بودن از بعضی از تسهیلات که رژیم اسلامی سرمایه تحت سیطره این تشکیلاتها قرار داده ناچار است به عضویت اسمی این تشکیلات در بیاید. اینکه حسین اکبری آمار میدهد که تشکیلات تهران کانون بازنشستگان با ۷۰۰ عضو بزرگترین کانون از ۳۳۰ کانون کل کشور است. بی شک او میدانند این بدنه کارگری برای خرید برخی اقلام خوراکی که از طریق تعاونی های این کانون ها به قیمت دولتی توزیع میشود، یا اینکه بتواند از بیمه تکمیلی در دوران بازنشستگی استفاده کند و یا بتواند از برخی فروشگاههای سطح شهر خرید قسطی انجام دهد، چاره ای جز داشتن کارت عضویت این تشکیلات ندارد. اما باز این آمار کذایی را به رخ ما میکشد و مبنای تحلیل خود قرار میدهد. با این آگاهی پر حرفی ایشان در مورد تاریخ شکل گیری آن و بندهای اساسنامه ای آن جز روده درازی هیچ معنای دیگری ندارد.

فرق حسین اکبری با آن کارگر بازنشسته، ولی الله اکبری که برای کانال تلگرامی شورای بازنشستگان پیامی روشنگرانه فرستاده این است، که دومی در عین آگاهی دادن از نقش مخرب دولت اسلامی نهایتاً به راه خطا می رود؛ اما حسین اکبری آگاهانه خاک به چشم کارگران می پاشد و سعی به خوار کردن مبارزات کارگران در کف خیابان دارد. فقط به این جمله حسین اکبری که در همان ابتدای مقاله فوق الذکر آمده است توجه کنید: "... گرچه آن ها (منظور بازنشستگان) همواره فریاد می زنند" «تتها کف خیابون، به دست میاد حقمون»، اما با تأسف بسیار گوش شنوایی برای شنیدن این فریادها وجود ندارد. "و گویا به زعم ایشان برای اینکه گوش شنوایی پیدا شود باید کانون بازنشستگان را تقویت کرد که درجه چانه زنی این تشکیلات بالاتر برود! اما بازنشستگان تا همین جا نه تنها دولت جمهوری اسلامی را به تنگنا کشانده اند بلکه اپوزیسیون بورژوازی رژیم هم از پتانسیل مبارزات بازنشستگان به هراس افتاده است و از الان هشدار میدهد: "بمب ساعتی بازنشستگی ایران، تیک تاک به سوی بحران" است.

یک بابایی، دکتر بردیا حریری مدیر مالی و مشاور سرمایه گذاری از سیلیکون ولی، کالیفرنیا، که خود را اپوزیسیون حکومت اسلامی میدانند از هم اکنون به همراه دیگر متخصصان با سواد و کاربلد سرمایه نقشه برای "بازسازی اقتصاد ایران و تضمین موقعیت برحق جهانی آن" در فردای بعد از جمهوری اسلامی، راه و چاه رودرو شدن با بازنشستگان را بررسی میکنند. (ایشان در سه مقاله مفصل دیگر هم به مسئله "رشد تولید" در فردای جمهوری اسلامی پرداختند و به نمونه های موفقیت مانند کره جنوبی اشاره کردند که همه میدانیم با ضرب دگنگ و خونریزی، سرمایه داری در کره جنوبی رشد کرده و قوام یافته است و یا نمونه برزیل و هند و...) خیلی جالب است ایشان به وضعیت بحرانی صندوقهای بازنشستگی اشاره میکنند بدون آنکه اصلاً اشاره کند که جمهوری اسلامی چهار دهه است که این صندوقها را میدوشت. و ظاهراً بار مالی این صندوقها دولت را مفلس کرده و میکند! این متخصص تشکیلات ورشکسته "قنوس" نسخه پیشنهادی اش هیچ تفاوت اساسی با آنچه جمهوری اسلامی به عمل

## پایان مشروط و موقت اعتصاب درخشان گروه ملی و اعتصاب کارگران شفق گروه ملی

ما کارگران فولاد علیه ظلم و بیداد می جنگیم، می جنگیم



امروز دهم بهمن ماه صدای مستقل گروه ملی فولاد طی بیانیه ای از پایان مشروط و موقت اعتصاب درخشان گروه ملی فولاد اهواز و اعتصاب کارگران شفق گروه ملی خبر داد. در بخشی از این بیانیه چنین آمده است: "مدیریت با اعمال تغییراتی در فیش های حقوقی تمام پرسنل قراردادی و پیمانکاری و خروج آیتم های فریز شده، گروهی از کارگران را دیشب در شیفت شب به سر کار برگرداندند."

با ذکر این خبر صدای مستقل گروه ملی فولاد مینویسد: "هرگونه توقف یا تعلیق در اعتصابات به حق کارگران، تنها با تصمیم جمعی و اراده خود کارگران انجام می گیرد". صدای مستقل سپس در ادامه بیانیه خود با اشاره به اینکه همواره گروهی از کارگران مردد به دام توطئه های مدیریت افتاده و با قبول درصدی از سوی مدیریت به کار و تولید باز میگردد، بر لیستی از مطالبات پاسخ نگرفته از جمله عدم بازگشت کریم سیاحی کارگر اخراجی بر سر کار، ناروشن ماندن قراردادهای کارگران شفق و دیگر مطالبات اعلام شده خود اشاره کرده و مینویسد: "با وجود پایان مشروط و موقت اعتصاب درخشان گروه ملی در این نوبت، همچنان پای عهد خود می مانیم. ما ایستادیم تا وسوسه ها و فریب ها را شناسایی کنیم و امید داریم که در آینده نزدیک با اعتصاب های دیگری در کف خیابان، جای هیچ تردیدی در دل همکاران باقی نماند."

مدینگونه کارگران گروه ملی فولاد اهواز یک هفته پر قدرت از اعتراض را به پیش بردند و اولیتماتوم آنها اینست که اگر مطالباتشان پاسخ نگیرد اعتراضاتشان را از سر خواهند گرفت.

همچنین بنا بر خبر منتشر شده از سوی صدای مستقل گروه ملی فولاد اهواز امروز صبح دهم بهمن ماه کارگران شفق گروه ملی بدنبال مطالبه تبدیل وضعیت خود به قراردادی و در اعتراض به عدم امنیت شغلی دست به اعتصاب زدند. تجمع و

بدینگونه کارگران گروه ملی فولاد اهواز یک هفته پر قدرت از اعتراض را به پیش بردند و اولیتماتوم آنها اینست که اگر مطالباتشان پاسخ نگیرد اعتراضاتشان را از سر خواهند گرفت.

همچنین بنا بر خبر منتشر شده از سوی صدای مستقل گروه ملی فولاد اهواز امروز صبح دهم بهمن ماه کارگران شفق گروه ملی بدنبال مطالبه تبدیل وضعیت خود به قراردادی و در اعتراض به عدم امنیت شغلی دست به اعتصاب زدند. تجمع و

اعتراض این کارگران به وضع بد معیشتی و خواستشان افزایش حقوق هاست. از خواستها و اعتراضات کارگران فولاد باید وسیعا حمایت کرد. اتکا به مجمع عمومی و متحد و قدرتمند عمل کردن یک نقطه قدرت اعتراضات کارگران فولاد اهواز است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۰ بهمن ۱۴۰۲، ۳۰ ژانویه ۲۰۲۴

### آگاهی طبقاتی، مبارزه بازنشستگان و ... از صفحه ۹

در آورده ندارد. در عین حال ایشان لا به لای حرفهایش تاکید میکند: "... ناامیدی در میان مستمری بگیرانی که با پرداخت های ناکافی مواجه هستند می تواند منجر به اعتراض و بی ثباتی شود و تنش های اجتماعی را افزایش دهد. و یا "... عدم رسیدگی به این موضوع مهم می تواند تنش های سیاسی موجود را تشدید کند و به طور بالقوه حتی مشروعیت رژیم را تهدید کند. اگر اسم رمزهای این جملات را بشکافید نتیجه اش چیزی نمی شود جز سرکوب تنش های اجتماعی نه مثلا برخوردار شدن بازنشستگان از یک زندگی شرافتمند. راه حلهایی که ایشان ارائه دادند اشارت به این دارد که از خود شاغلان به عنوان مختلف باید کند، مثلا تشویق به پرداخت مالیات بیشتر برای بازنشستگی تحت عنوان پس انداز، تازوی که بازنشسته میشوند و بعد به خودشان پرداخت شود. حالا کی داده و کی گرفته! ایشان دیر آمده و زود می خواهد برود!

همه کسانی که غم "رشد تولید" (شما بخوانید سود سرمایه) در ایران را دارند نگران مبارزات جاری کارگران و بازنشستگان در ایران هستند. این مبارزات صرف نظر از مطالبات مشخص خود نهایتا سطح آگاهی کل طبقه کارگر را بالا برده است. اگر "ولی الله اکبری بازنشسته تامین اجتماعی" به تجربه به نقش دولت در جامعه طبقاتی معاصر پی برده است، نتیجه مبارزات کف خیابان کارگران و بازنشستگان است و این آگاهی آن بمب ساعتی است که تیک تاک بحران را برای سرمایه داری بوجود آورده است. این آگاهی بر بستر مبارزات کل جامعه بر علیه یکی از هارترین دولت های معاصر سرمایه داری شکل گرفته است. و اکنون این مبارزه رنگ انقلاب به خود دارد.

### بیش از ۲۰ نفر از مردم معترض سمیرم دستگیر شدند

طبق گزارشات دریافتی بدنبال اعتصاب روز دوشنبه در شهر سمیرم، از نیمه شب دیشب تا کنون بیش از ۲۰ نفر از جوانان و مردم معترض دستگیر شده اند. علیرغم این تهدیدات امروز نیز اعتصاب در سمیرم ادامه یافت.

اعتصاب دو روزه در سمیرم که با فراخوان قبلی صورت گرفت در اعتراض به احکام اعدام برای فاضل بهرامیان و مهران بهرامیان و همینطور آزادی تعدادی از دستگیرشدگان انقلاب زن زندگی آزادی است.

این اعتصاب که روز اول آن همزمان با اعتصاب عمومی در شهرهای کردستان انجام شد، شیوه مهمی از اعتراض علیه جنایات جمهوری اسلامی است. مردم سمیرم که نشان دادند توان دست زدن به اعتصاب عمومی را دارند، این توان را نیز دارند که برای آزادی دستگیرشدگان این اعتصاب متحدانه به اعتراضات خود ادامه دهند. تجمع خانواده های دستگیر شده و همراهی مردم از آنها را باید فوراً در دستور گذاشت و حکومت را مجبور کرد دستگیر شده ها را آزاد کند و حکم اعدام فاضل و مهران بهرامیان را لغو کند. از همه مردم در سراسر کشور و تشکل های مردمی انتظار میرود، به هر شکل که میتوانند از اعتراض مردم سمیرم حمایت کنند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۱ بهمن ۱۴۰۲، ۳۱ ژانویه ۲۰۲۴

## پاسخ کارگران به پرونده سازی امنیتی برای ۲۴ کارگر معترض گروه ملی فولاد اهواز ما کارگران فولاد علیه ظلم و بیداد می جنگیم، می جنگیم



تمام همکاران استوار اعم از پرسنل قراردادی گروه ملی فولاد و کارگران شرکت شفق راهیان اکسین؛ نتیجه مستقیم همبستگی و اتحاد عمل و خردجمعی در میان تمام کارگران شرکت عظیم گروه ملی صنعتی فولاد ایران-اهواز است که زیر بار زور و فشار و تهدید نرفتند و اعتصاب قدرتمندی را در برابر چشم مردم به نمایش گذاشتند. این دستاوردها را مغتنم می‌شماریم و باور داریم به بقیه مطالبات زیر سایه عزم فولادین گروه ملی خواهیم رسید. رمز پیروزی ما همدلی و اتحاد جمعی است. ما کارگران فولاد علیه ظلم و بیداد می جنگیم می جنگیم."

بسته شدن پرونده های امنیتی برای ۲۴ کارگر معترض این شرکت خواست فوری این کارگران است. و مطالبات اعلام شده آنها عبارتند از: "برکناری علی محمدی مدیر عامل و باند مافیایی حاکم بر شرکت، خلع مالکیت از بانک ملی، اجرای کامل طرح طبقه بندی مشاغل، همسان سازی با فولاد اکسین، قرار دادی شدن کارگران شفق و بازگشت به کار همکار اخراجی کریم سیاحی.

یک نقطه قدرت کارگران فولاد اتکا به مجمع عمومی است. با اتکا به این نقطه قدرت میتوان سرکوبگری های حکومت و باند مافیایی حاکم بر این مجتمع سه هزار نفره کارگری را عقب زد.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۲ بهمن ۱۴۰۲، ۱ فوریه ۲۰۲۴

صدای مستقل کارگران گروه ملی فولاد طی بیانیه ای تحت عنوان "شکایت علیه همکاران را پاسخ خواهیم داد" اعلام کرد که کارگران در مقابل سرکوبگریهای مدیریت مافیایی این شرکت اخطار داده و صدای اعتراضشان را بلند کرده اند. بنا بر خبر بدنال پایان مشروط اعتراضات قدرتمند کارگران گروه ملی فولاد بر اساس شکایت مدیریت ۲۴ نفر از کارگران معترض این شرکت احضار شده و برایشان پرونده امنیتی تشکیل شده است. صدای مستقل کارگران گروه ملی در رابطه با این خبر مینویسد: "وضعیت گروه ملی مثل آتش زیر خاکستر است که کارفرما هر از گاهی آن را باد میزند و حالا شرکت خودمان از خودمان به مرجعی ناعادل شکایت برده است! این پرونده سازی که فقط برای انتقام و تلافی از دستاوردهای اعتصاب است را تاب نمیآوریم. تا زمانیکه صدای هیئات کارگر شهر را تسخیر کرده بود در لانه های خود پنهان شده و مقهور اتحاد ما بودند. جلسات امنیتی و تهدید و تطمیع کافی نبود و مجدداً با فشار به همکاران مطالبه گر قصد دارند عظمت گروه ملی را به آزمون بگذارند که از این اشتباه درس نگرفته اند چون ما نیز فقط چشمه ای از وعده مان را عملی کرده ایم!"

یک هفته اعتراض قدرتمند کارگران فولاد اهواز که خیابانهای شهر را به لرزه درآورد باند مافیایی شرکت را به هراس انداخت. از همین رو با یکسری عقب نشینی های شبانه تلاش کردند بخشی از کارگران را به سر کار بازگردانند تا بخیال خود در صف کارگران شکاف ایجاد کند. در همین رابطه صدای مستقل کارگران گروه ملی مینویسد: "افزایش دستمزد کلیه سطوح شغلی بر اساس طرح طبقه بندی مشاغل برای

## تجمع اعتراضی کارگران ارکان ثالث، پشتیبانی و رانندگان شرکتهای پیمانکاری مجتمع گاز پارس جنوبی



کارگران معترض پارس جنوبی اعلام داشتند که برای پیگیری مطالبات خود در روزهای آینده نیز دست به تجمع خواهند زد.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۴ بهمن ۱۴۰۲، ۳ فوریه ۲۰۲۴

امروز شنبه ۱۴ بهمن بار دیگر شمار زیادی از کارگران ارکان ثالث، پشتیبانی و رانندگان شرکتهای پیمانکاری مجتمع گاز پارس جنوبی بنا بر قراری از قبل اعلام شده و علیرغم تهدیدات و کارشکنی های مدیریت و حراست مجتمع گاز، در پالایشگاه های پنجم، ششم، هفتم، هشتم، نهم، دهم و دوازدهم بطور هماهنگ دست به تجمع زدند و پیگیر مطالبات خود گردیدند.

خواسته های اعلام شده این کارگران عبارتند از: "حذف شرکتهای پیمانکاری، اجرای کامل طرح طبقه بندی مشاغل، بهره مندی از گاز- بن کارت، ایجاد شرایط مرخصی ۲ به ۲ (۱۴ روز کار و ۱۴ روز استراحت). برای رانندگان. یک مطالبه مهم این کارگران افزایش دستمزدهاست.



کارگران نفت و سیعا حمایت کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۰ بهمن ۱۴۰۲، ۳۰ ژانویه ۲۰۲۴

## تجمع اعتراضی کارگران ارکان ثالث شرکت ملی حفاری

بنا بر خبر منتشر شده از سوی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث) امروز سه شنبه دهم بهمن ماه کارگران ارکان ثالث شرکت ملی حفاری با وجود حضور ماموران انتظامی و مانع تراشی عوامل حراست و مدیریت شرکت، مقابل ساختمان مرکزی شرکت و دکل های ۲۱ و ۲۵ فتح اعتراض خود را به نمایش گذاشتند. در این حرکت اعتراضی کارگران با تجمع در مقابل ساختمان مرکزی شرکت با تلاشهای عوامل مدیریت که قصد داشتند با نشست با نمایندگان مدیریت تجمع کارگران را عقب بزنند، مقابله کردند. این کارگران اعلام کرده اند که تا وقتی پاسخ نگیرند تجمعات هفتگی خود را ادامه خواهند داد. اهم مطالبات کارگران ارکان ثالث شرکت ملی حفاری، حذف کامل شرکتهای پیمانکاری، اجرای کامل طرح طبقه بندی مشاغل، بهره مندی از نفت-بن کارت، بدون تبعیض در پرداخت و... می باشد. اینها مطالبات سراسری کارگران ارکان ثالث در نفت است که یک مرکز داغ این اعتراضات شرکت ملی حفاری نفت است. حذف پیمانکاران یک مطالبه کلیدی در نفت و در جنبش کارگری است. از اعتراضات

## تجمع اعتراضی کارگران رسمی شرکت نفت و گاز آغاچاری و اخبار اعتراضی دیگر

در این روز همچنین کارگران صنایع غذایی بستنی اطمینان در اعتراض به وضع بد معیشتی خود برای سومین روز متوالی درست از کار کشیده و تجمع کردند. اعتراض این کارگران ادامه دارد. خبر اعتراضی دیگر در این روز مربوط به تجمع اعتراضی کارگران اخراجی نیروگاه سد دز در مقابل فرمانداری اندیمشک است. بنا بر خبرها امروز دوازدهم بهمن همچنین کارگران نساجی بروجرد در اعتراض به اخراجها و تعویق پرداخت دستمزدشان دست به تجمع و اعتراض زدند.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۲ بهمن ۱۴۰۲، ۱ فوریه ۲۰۲۴

روز چهارشنبه یازدهم بهمن کارگران رسمی شرکت نفت و گاز آغاچاری در ادامه اعتراضاتشان بخاطر تعرضات معیشتی حکومت با در دست گرفتن نوشته هایی با مضمون خواستهای اعتراضی شان مطالبات خود را پیگیر شدند. اعتراضات این کارگران ادامه دارد. مطالبات کارگران رسمی نفت و اعتراضاتشان سراسری است و مناطق مختلف نفتی در روزهای مختلفی در هفته دست به تجمع و اعتراض میزنند. مطالبات کارگران رسمی نفت از جمله عبارتند از: برکناری مدیران نالایق، حذف کامل سقف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، عودت کسورات مزاد مالیات، اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت بک-پی، و متوقف شدن دست اندازی به صندوق بازنشستگی.

## تجمع اعتراضی کارگران رسمی شرکت نفت و گاز شرکت فلات قاره در لاوان و اعتصاب کارگران ایران تایر



روز جمعه ۱۳ بهمن کارگران رسمی شرکت فلات قاره در لاوان در ادامه اعتراضاتشان بخاطر تعیین سقف حقوق که تعرضی به سطح دستمزد آنهاست و برای پیگیری دیگر مطالبات خود دست به تجمع زدند. مطالبات کارگران رسمی نفت و اعتراضاتشان سراسری است و کارگران در مناطق مختلف نفتی در روزهای مختلفی در هفته دست به تجمع و اعتراض میزنند. مطالبات کارگران رسمی نفت از جمله عبارتند از: برکناری مدیران نالایق و ضد کارگری، حذف کامل سقف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، عودت کسورات مزاد مالیات، اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت بک-پی، و متوقف شدن دست اندازی به صندوق بازنشستگی.

در این روز همچنین کارگران ایران تایر برای سومین روز در اعتراض به کاهش سطح حقوق و مزایای خود دست به اعتصاب زده و تجمع کردند. این کاهش حقوق بعد از اجرای طرح طبقه بندی مشاغل صورت گرفته است و کارگران به آن اعتراض دارند.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۳ بهمن ۱۴۰۲، ۲ فوریه ۲۰۲۴



کو، "بازنشسته می میرد، ذلت نمی پذیرد"، گرانی تورم بالای جان مردم، و "عدالتی ندیدیم ما دیگه رای نمیدیم".

امروز همچنین کشاورزان در اصفهان در اعتراض به وضعیت وخیم زندگی خود و کمبود و قطعی آب با خواست حقایق و اجرایی شدن وعده های داده شده علیرغم ممانعت های یگان ویژه دست به تجمع و راهپیمایی زدند.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۹ بهمن ۱۴۰۲، ۲۹ ژانویه ۲۰۲۴

## تجمعات سراسری بازنشستگان مخابرات در شهرهای مختلف و تجمع و راهپیمایی کشاورزان اصفهان

امروز دوشنبه نهم بهمن ماه بازنشستگان مخابرات در یکی دیگر از دوشنبه های اعتراضی خود برای پیگیری مطالباتشان و در اعتراض به گرانی ها و وضع بد معیشتی خود در شهرهای مختلف دست به تجمعات اعتراضی زدند. این تجمعات بنا بر آخرین گزارشات در شهرهای سنندج، اردبیل، تبریز، کرمانشاه، اهواز، زاهدان، مریوان، رشت، تهران، اراک، همدان و ارومیه برگزار شدند.

در تهران بازنشستگان مخابرات تجمع و راهپیمایی داشتند و با فریاد شعارهایشان صدای اعتراض خود را بلند کردند. بازنشستگان در سنندج با شعار اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد کل جامعه را علیه بساط چپاول و غارت حاکم فراخواند.

دیگر شعارهای اعتراضی بازنشستگان در این روز عبارت بودند از: "بازنشسته داد بزن حقوقت فریاد بزن"، "شرکت پر در آمد چه بر سر تو آمد"، "خواستگاری ما حقوق طبق معیشت"، "مشکل ما حل نشد دوشنبه ها می آیم"، "ما بازنشستگانیم، خواهان حقمانیم"، "یک اختلاس کم بده، مشکل ما حل میشه"، "سهامدار عمده حق ماها را خورده"، "تا حق خود نگیریم، از پا نمی نشینیم"، "دولت دروغگو حاصل وعده هات



اختیارش است. ولی فقیر ترین مردمان را دارد. اینها میخواهند فقر را بر ما حاکم کنند. بخاطر اینکه خودشان حکومت کنند. اجازه نخواهیم داد فقر بر ما حاکم شود". (کف زدن جمعیت)

این چنین است که بازنشستگان صدای رسای جامعه علیه فقر و فساد و بی تامينی هستند.

خبر اعتراضی دیگر این روز تجمع پرستاران علوم پزشکی مازندران در شهر ساری در اعتراض به وخامت هر روز بیشتر شرایط کاری و معیشتی، سطح نازل حقوقها و تعرفه های غیر واقعی، اضافه کاری مفت و اجباری و سایر مطالبات پاسخ نگرفته شان بود. در رابطه با این موضوعات پرستاران بارها در شهرهای مختلف تجمع و اعتراض داشته اند.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۰ بهمن ۱۴۰۲، ۳۰ ژانویه ۲۰۲۴

## تجمعات بازنشستگان کشوری در اهواز، کرمانشاه، یزد

### پرستاران در ساری اتحاد، اتحاد، علیه ظلم و فساد

امروز سه شنبه دهم بهمن ماه بازنشستگان کشوری از جمله معلمان بازنشسته در همراهی با بازنشستگان تامین اجتماعی همچون سه شنبه های هر هفته تجمعات خود را برای پیگیری مطالباتشان بر پا کردند. این تجمعات از جمله در اهواز، کرمانشاه و یزد برگزار شد.

در اهواز بازنشستگان با فریاد شعارهای کوبنده خود از جمله شعارهای "لشکری کشوری تامین اجتماعی اتحاد اتحاد"، "اتحاد اتحاد علیه ظلم و فساد" جمعیت ۲۵ میلیونی بازنشستگان و کل جامعه را به اتحاد مبارزاتی فرا خواندند.

در یزد بازنشستگان کشوری در اعتراض به بساط چپاول و غارت حاکم شعار میدادند: "ایران پر در آمد چه بر سر تو آمد".

در کرمانشاه آقای اسماعیلی یکی از بازنشستگان سخنرانی کرد و در بخشی از سخنانش گفت: "ما فشارهایی رویمان است. اینها کار مدیران است. ما باید این خاها را از سر راه برداریم. مطمئن باشید برداشته خواهد شد. و به اهداف خود خواهیم رسید (کف زدن جمعیت). درد ما درد جامعه است. ما تنها برای خودمان فریاد نمی زنیم. برای جامعه ای که زباله گردی در آن بهترین شغل است برای آن جامعه ما فریاد میزنیم. ما برای جامعه ای فریاد میزنیم که بزرگترین ثروت جهان در

## به حزب کمونیست کارگری بپیوندید!

تلگرام: @wpi\_tamas  
۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲  
tamas.wpi@gmail.com





## کارگران در هفته ای که گذشت تنظیم کننده: سهیلا رضوانی

دوشنبه ۹ بهمن ماه ۱۴۰۲

-اعتصاب کارگران گروه ملی فولاد اهواز در اعتراض به سطح نازل حقوقها و برای اجرای کامل طرح طبقه بندی مشاغل و برای پیگیری دیگر مطالبات خود دست از کار کشیدند و با راهپیمایی در شهر و تجمع در مقابل فرمانداری، استانداری و دفتر مرکزی بانک ملی خیابانهای شهر را به لرزه در آوردند. یک خواست مهم این کارگران برکناری مدیریت فاسد و مافیایی شرکت، خلع ید از بانک ملی و بازگشت به کار کریم سیاحی همکار اخراجی شان است. این کارگران همچنین خواستار قراردادی شدن همکاران خود در شرکت شفق هستند.

-بازنشستگان مخابرات در شهرستانهای خرمآباد، بیجار، تبریز، مریوان، کرمان، بندرعباس، شیراز، زنجان، اردبیل، بروجرد، زاهدان، ارومیه، تهران، رشت، کرمانشاه، اراک، سنندج، اهواز و... در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان مجدداً مقابل شرکت مخابرات دست به تجمع زدند.

-جمعی از کارکنان شرکت نفت فلات قاره ایران شاغل در سکوی نفتی سیری و گروهی از کارکنان شرکت بهره برداری نفت و گاز آغاچاری در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان، در محل کار خود دست به تجمع زدند.

سه شنبه ۱۰ بهمن ماه ۱۴۰۲

-کارگران شرکت شفق گروه ملی صنعتی اهواز به دنبال مطالبه تبدیل وضعیت خود به قراردادی دست از کار کشیدند و تجمع کردند. این کارگران با وجود عدم امنیت شغلی و تهدید حراست اعتصاب را ادامه دادند.

-بازنشستگان فرهنگی و تأمین اجتماعی در چند شهر هواز، یزد، کرمانشاه در اعتراض به وضع بد معیشتی و برای پیگیری مطالباتشان مشترکاً دست به تجمع اعتراضی زدند.

-پرستاران علوم پزشکی مازندران در ساری در اعتراض به تعرفه های غیر واقعی و تبعیض آمیز و اضافه کاری مفت و اجباری و برای پیگیری سایر مطالباتشان دست به تجمع زدند.

-کارگران ارکان ثالث شرکت ملی حفاری ایران واقع در استان خوزستان بر روی دکل حفاری ۳۷، دکل ۲۱ دکل ۲۵ با خواستهای حذف پیمانکاران و افزایش دستمزدها و در همین راستا اجرای کامل طرح طبقه بندی مشاغل و پرداخت برخی از آیم های مزدی خود دست به تجمع زدند.

روز چهارشنبه ۱۱ بهمن ماه ۱۴۰۲

-کارگران صنایع غذایی بستنی اطمینان در اعتراض به پایین بودن حقوق شان برای سومین روز متوالی دست از کار کشیده و پیگیر مطالباتشان شدند.

-کریم بستانچی خضرآباد از فعالین صنفی آذربایجان غربی با حکم هیات بدوی تخلفات اداری به بازنشستگی پیش از موعد و تقلیل گروه محکوم شده است. این احکام بخشی از سرکوبگری های حکومت در قبال معلمان معترض است. یک خواست فوری معلمان پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و بسته شدن پرونده های تشکیل شده برای معلمان معترض و آزادی فوری و بدون قید و شرط همه معلمان زندانی است.

-ایرج رهنما معلم زندانی در پی وخامت حال جسمی و سرگیجه های شدید و فشار

خون بالا به درمانگاه زندان منتقل شد. آقای راهنما اعلام کرده که به خواست همکاران و خانواده به اعتصاب غذای خود پایان داده است.

-گروهی از کارکنان شرکت بهره برداری نفت و گاز آغاچاری، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان، در مقابل ساختمان مدیریت این شرکت، دست به تجمع زدند.

روز پنجشنبه ۱۲ بهمن ماه ۱۴۰۲

علیرغم وضعیت وخیم جسمانی عثمان اسماعیلی، فعال کارگری و نیاز جدی او به عمل جراحی در اسرع وقت؛ مسئولان زندان سقز از انتقال وی به بیمارستان خارج از زندان ممانعت می کنند.

- عزیز قاسم زاده سخنگوی کانون صنفی فرهنگیان گیلان با اتمام مرخصی درمانی برای ادامه حکم حبس خود به زندان لاکان رشت بازگشت.

-شماری از کشاورزان شهرستان دلگان در اعتراض به عدم توزیع کود سفید، در اعتراض به وضع بد معیشتی و قطعی آب و برای خواست حلقه مقابل ساختمان جهاد کشاورزی این شهرستان تجمع کردند.

روز جمعه ۱۳ بهمن ماه ۱۴۰۲

-کارگران رسمی شرکت نفت فلات قاره لاوان در ادامه اعتراضات خود به تعرضات معیشتی شان و برای پیگیری مطالباتشان دست به تجمع اعتراضی زدند.

-کارگران شهرداری رودبار از عدم پرداخت مطالبات مزدی خود خبر دادند.

روز شنبه ۱۴ بهمن ماه ۱۴۰۲

- جمعی از کارگران شهرداری نوش آباد در اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه مطالبه مزدی و حق بیمه خود در مقابل ساختمان این شهرداری تجمع کردند.

-کارگران پیمانکاری مجتمع های گاز پارس جنوبی برای پیگیری مطالباتشان مقابل پالایشگاه های مجتمع گاز دست به تجمع اعتراضی زدند.

-پرستاران لرستان بخاطر وخامت هر روزه وضع معیشتی خود و عدم پرداخت تعرفه های پرستاری و تبعیض در پرداخت ها و عدم پاسخگویی به مطالباتشان در مقابل استانداری دست به تجمع زدند.

روز یکشنبه ۱۵ بهمن ماه ۱۴۰۲

-محمد سعیدی ابواسحاقی فعال صنفی معلمان لردگان چهارمحال و بختیاری با رای دیوان از آموزش و پرورش اخراج شد. این اخراجها بخشی از سرکوبگریهای حکومت است و با اعتراضات سراسری میتوان این سرکوبها را عقب زد.

## تجمع اعتراضی کارگران ارکان ثالث و پیمانکاری پالایشگاههای پنجم، ششم و هشتم و شرکت نفت و گاز گچساران و اخبار اعتراضی دیگر

بنا بر اخبار منتشر شده از سوی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث) امروز یکشنبه ۱۵ بهمن کارگران ارکان ثالث و پیمانکاری در پالایشگاههای پنجم، ششم و هشتم مجتمع گاز پارس جنوبی، بار دیگر دست به تجمع زده و پیگیر مطالبات خود شدند. این کارگران اعلام کرده اند که تا رسیدن پاسخگویی به مطالبات خود اعتراضاتشان را گسترده تر به پیش خواهند برد.

در این روز همچنین کارگران شرکت نفت و گاز گچساران برای پیگیری مطالبات خود در محوطه شرکت تجمع کردند.

اعتراضات کارگران ارکان ثالث سراسری است و اهم مطالبات آنها عبارتند از: حذف کامل شرکتهای پیمانکاری، اجرای کامل طرح طبقه بندی مشاغل، بهره مندی از گاز-بن کارت، و تبدیل وضعیت مرخصی ۲ به ۲ برای کارگران پشتیبانی شرکتهای پیمانکاری.

از سوی دیگر اعتراضات کارگران رسمی نفت ادامه دارد. در این روز کارگران شرکت بهره برداری نفت و گاز آغاچاری دست به تجمع زدند. مطالبات کارگران رسمی نفت عبارتند از: برکناری مدیران نالایق و فاسد، حذف کامل سقف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، عودت کسورات مزاد مالیات، اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت بک-پی آن و عدم عدم ادغام و دست درازی به صندوق بازنشستگی کارکنان



اعتراضات در نفت گسترده است. از خواستها و مبارزات این کارگران باید وسیعاً حمایت کرد.

اعتراضات در مراکز مختلف کارگری گسترده است. در این روز همچنین کارگران کارخانه سیلان خودرو در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد بیش از ۴ ماه خود قطع بیمه تامین اجتماعی مقابل استانداری اردبیل تجمع کردند. این کارخانه در شهرک صنعتی شماره ۲ تولید کننده اوتوبوس و مینی بوسهای درون شهری اردبیل واقع است.

حزب کمونیست کارگری ایران-۱۵ بهمن ۱۴۰۲، ۴ فوریه ۲۰۲۴

از صفحه ۱۲

### کارگران در هفته ای که گذشت...

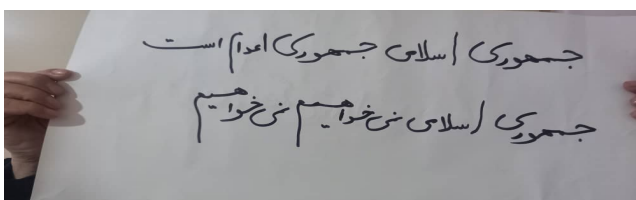
- بازنشستگان صنایع فولاد اصفهان و تهران در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان مجدداً مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی فولاد این شهر دست به تجمع زدند.

- بازنشستگان تأمین اجتماعی در شهرهای کرمانشاه، شوش، اهواز در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و عدم پاسخگویی به خواسته‌هایشان مجدداً و مطابق تجمعات یکشنبه‌های اعتراضی دست به تجمع زدند.

- کارگران ارکان ثالث شاغل در پالایشگاههای پنجم، ششم و هشتم مجتمع پارس جنوبی، بار دیگر با خواست حذف پیمانکاران و در اعتراض به سطح نازل حقوقها دست به تجمع زدند. یک مطالبه این کارگران اجرای طرح طبقه بندی مشاغل است که بهبودی در دستمزد آنها ایجاد میکند.

- کارگران رسمی شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری در اعتراض به عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان تجمع کردند.

- کارگران شرکت بهره‌برداری نفت و گاز گچساران برای پیگیری مطالباتشان تجمع کردند.



### مردم سمیرم امروز هم اعتصاب کردند

مردم سمیرم علیرغم تهدیدات و دستگیری‌ها امروز نیز دست به اعتصاب عمومی زدند و کلیه فروشگاههای شهر تعطیل شد. این اعتصاب دو روزه در اعتراض به احکام اعدام فاضل بهرامیان و مهران بهرامیان و خواست آزادی داریوش ساعدی و یونس بهرامیان از دستگیرشدگان انقلاب زن زندگی آزادی و همچنین لغو حکم غیابی ۸ سال زندان برای بهار شیرین مادر علی عباسی است که سال قبل در جریان انقلاب زن زندگی آزادی توسط نیروهای سرکوب به قتل رسید.

طبق گزارشی که به ما رسیده است، ارگانهای سرکوب جمهوری اسلامی روز سه‌شنبه تعدادی از فروشگاههای اعتصابی را پلمب کردند و آنها را تهدید کردند که در صورتی که فروشگاههای خود را باز نکنند فروشگاههای آنها برای مدتی طولانی پلمب خواهند بود و حتی ممکن است به آتش کشیده شوند. سرکوبگران از نیمه شب گذشته شروع به دستگیری کرده و تعدادی از جوانان معترض شهر را که با سایرینها درگیر شده‌اند دستگیر کردند. مزدوران یگان ویژه نیز پشت دروازه‌های شهر در حالت آماده‌باش به سر می‌برند. علیرغم این تهدیدات مردم سمیرم بر خواسته‌های خود تاکید کرده و به اعتصاب ادامه دادند. خواست آزادی فوری دستگیرشدگان نیز اکنون به خواست‌های قبلی مردم این شهر اضافه شده است.

اعتصاب دیروز در سمیرم همزمان با اعتصاب عمومی در شهرهای کردستان انجام شد. این اعتصابات الگویی برای مردم در همه شهرها است. در شهرهای مختلف کشور در حال حاضر تعدادی از مردم معترض در زندان به سر می‌برند و تعدادی از آنها به اعدام محکوم شده‌اند. اعتصاب عمومی در شهرها یک شکل مهم مبارزه با خواست لغو احکام اعدام و آزادی فوری دستگیرشدگان است.

حزب کمونیست کارگری ایران-۱۱ بهمن ۱۴۰۲، ۳۱ ژانویه ۲۰۲۴



## تجمعات سراسری بازنشستگان مخابرات و اخبار اعتراضی دیگر

تا حق خود نگیریم، طوفان به پا میکنیم

امروز ۱۶ بهمن ماه بازنشستگان مخابرات در ادامه تجمعات اعتراضی هفتگی خود برای پیگیری مطالباتشان در شهرهای مختلف دست به تجمع و اعتراض زدند. این تجمعات بنا بر آخرین گزارشات در شهرهای تیریز، ارومیه، اردبیل، کرمانشاه، سنندج، بندرعباس، رشت، اهواز، کرمان، و تهران برگزار شده است.

در اهواز بازنشستگان راهپیمایی کرده و با شعارهای "از خوزستان تا تهران مرگ بر این مدیران"، "تا حق خود نگیریم از پا نمی نشینیم"، و "تا حق خود نگیریم، طوفان به پا میکنیم" صحنه پر شوری از اعتراض را شکل دادند.

در این تجمعات بازنشستگان علیه مقامات مسئول، دزدی ها و اختلاس ها و در اعتراض به وضع بد معیشتی خود شعار دادند و صدای اعتراض خود را بلند کردند. در این روز همچنین کشاورزان اصفهان بار دیگر در اعتراض به وضعیت وخیم زندگی خود و کمبود و قطعی آب با خواست حقایق و اجرایی شدن وعده های داده شده دست به تجمع و راهپیمایی زدند.

در این روز همچنین کارگران نیروگاه سهند بناب بخاطر وضعیت بد معیشتی و تعویق پرداخت هشت ماه دستمزدشان اعتصاب و اعتراض کردند. کارگران اعتصابی از سوی مدیریت تهدید به اخراج شدند. اما بر پیگیری مطالبات خود تاکید کردند. خبر دیگر مربوط به کارگران اخراجی نیروگاه سد دز است که در این روز در

اعتراض به وضعیت بد شغلی و معیشتی خود برای هشتمین روز دست به تجمع زدند. و این اعتراضات ادامه دارد.

آخرین خبر اینکه امروز شانزدهم بهمن ماه معلولان خود را از شهرهای سنندج، ساری، اردبیل، بجنورد، کرج، و تهران و حومه جهت برگزاری تجمع در اعتراض به وضع اسفبار معیشتی و درمانی خود به مقابل نهاد رئیس جمهوری اسلامی رساندند. اما ماموران انتظامی از برگزاری تجمع آنها در کنار این خیابان ممانعت کردند و ماموران تجمع خود را در داخل پارک پاستور برگزار کردند. اعتراضات معلولان برای پیگیری مطالبات برحقشان ادامه دارد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ بهمن ۱۴۰۲، ۵ فوریه ۲۰۲۴

## مردم کردستان علیه اعدام دست به اعتصاب عمومی زدند

امروز سه شنبه ۱۰ بهمن ۱۴۰۲ بار دیگر مردم شهرهای کردستان دست به اعتصاب عمومی گسترده‌ای زدند تا اعتراض خود را به اعدام‌های فزاینده از جمله اعدام چهار زندانی سیاسی در روز ۹ بهمن اعلام کنند. شهرهای سنندج، بوکان، سقز، مهاباد، مریوان، سروآباد، دهگلان، شهرک بهاران سنندج، بانه، روانسر، دیواندره از جمله شهرهایی است که مردم وسیعاً به فراخوان اعتصاب عمومی پاسخ دادند.

همزمان با اعتصاب عمومی، جمع قابل توجهی از مردم در منزل چهار زندانی سیاسی که روز ۹ بهمن اعدام شدند، در شهرهای مهاباد، بوکان، کامیاران و دهگلان حضور یافتند و همبستگی خود را با خانواده‌های داغدار آنان اعلام کردند.

این اعتصاب که به فراخوان بسیاری از فعالین سیاسی، نهادهای مردمی، حزب کمونیست کارگری و تعداد دیگری از احزاب سیاسی و با حمایت بسیاری از تشکلهای و فعالین سیاسی در سراسر کشور صورت گرفت، پاسخ دندان شکنی به اعدام‌های اخیر توسط حکومت اسلامی بود.

حکومت در مانده اسلامی تصور میکرد که میتواند با اعدام‌ها مردم را مرعوب کند اما اعدام‌ها با عکس‌العمل قاطع مردم در داخل و خارج کشور پاسخ گرفت. بیش از صد تجمع اعتراضی در شهرهای مختلف جهان در دو هفته گذشته و فراخوان‌های متعدد دیگر برای تداوم اعتراضات، اعتصاب غذای ۶۱ زن زندانی سیاسی و حمایت طیف وسیعی از جامعه از اعتصاب آنان، بیانیه‌های مختلف تشکلهای دادخواهان، کارگران و بازنشستگان، معلمان، دانشجویان و فعالین حقوق زن، نویسندگان، هنرمندان معترض، اعلام سه‌شنبه‌های اعتصاب زندانیان زندان قزل‌حصار و همراهی زنان زندانی سیاسی با آنها و اعتصاب عمومی در کردستان پاسخ مردم به قتل حکومتی زندانیان سیاسی است. این جنبش ادامه دارد و هر روز در داخل و خارج علیه حکومت آدمکش اسلامی وسیعتر میشود. این تحریکات اعلام صریح این مساله است که نه زندان نه اعدام دیگر اثر ندارد. شعاری که کارگران فولاد نیز در تجمعات روزهای گذشته در خیابان‌های اهواز فریاد زدند.



جنبش علیه اعدام در هفته‌های گذشته با پیشروی چشمگیری همراه بوده است. ماشین اعدام حکومت اسلامی را با تقویت و گسترش اعتصاب و اعتراض در داخل و خارج کشور میتوان و باید فلج کرد. این جنبشی علیه کل موجودیت حکومت نکبت اسلامی است و با گسترش خود میتواند زمینه‌ساز اعتراضات و اعتصابات سراسری در کل کشور باشد.

حزب کمونیست کارگری به مردم کردستان، به زندانیان سیاسی و به مردم معترض در سراسر کشور درود میفرستد و همه مردم در سراسر کشور، دادخواهان، زنان، دانشجویان، معلمان، کارگران، جوانان و کلیه نهادها و تشکلهای مردمی و همه انسانهای آزاده را به گسترش اعتراض علیه اعدام و علیه حکومت جنایتکار و منفور اسلامی فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۰ بهمن ۱۴۰۲، ۳۰ ژانویه ۲۰۲۴





باید در این میان به تحرکات از درون زندانها علیه اعدام نیز اشاره ای کنیم. جمعی از زندانیانی که در زندان قزلحصار حکم اعدام دارند، در نامه‌ای از همه مردم خواسته‌اند تا صدای آنها باشند و اعلام کردند که از این به بعد هر سه‌شنبه که روز اجرای حکم اعدام

است دست به اعتصاب غذا خواهند زد. زنان زندان اوین نیز روز ۱۰ بهمن در همبستگی با ده نفر از زندانیان سیاسی قزلحصار که علیه اعدام دست به اعتصاب زده بودند به این اعتصاب پیوستند.

مبارزه علیه اعدام ابعاد اجتماعی و توده ای بخود می‌گیرد. جمهوری اسلامی با اعدام زاده شد و یکی از ارکانی که این رژیم را حفظ کرده است همین اعدام است. جامعه پس از فتح خاکریز حجاب اسلامی به سمتی می‌رود که سلاح اعدام را نیز از دست جمهوری اسلامی بگیرد. رژیم اسلامی تا آخرین لحظه از حیات ننگین خویش به هر جنایتی دست خواهد زد ولی مهم این است که با مردمی روبرو شود که یکصد خواهان توقف اعدامها، لغو همه احکام اعدام و حذف مجازات اعدام از قوانین کیفری باشند. جامعه راه خود را یافته است. شعار نه به اعدام می‌تواند به محور یک بسیج عمومی و همگانی علیه اعدامها تبدیل شود. این شعار باید در هر اعتراض و مبارزه ای طنین انداز شود. از سوی دیگر اعتصاب در کردستان و شهر سمیرم الگوی مناسبی برای مبارزه علیه اعدام و پیشگیری از قتل عمد حکومتی بدست داد.

کمیته بین المللی علیه اعدام باور دارد که در کنار هر اقدام علیه اعدام نظیر شعار نویسی بر در و دیوار شهر، مشارکت گسترده کنشگران اجتماعی در این جنبش، حمایت از خانواده های محکومین به اعدام، تجمع در مقابل زندانها، فعالیت مستمر در شبکه های اجتماعی، رسانه ای کردن پرونده های محکومین به اعدام و تلاش برای نجات تک تک آنها، رفتن جامعه به سوی اعتصاب سراسری و عمومی موثرترین راه متوقف کردن ماشین اعدام و آدمکشی جمهوری اسلامی است. این چشم اندازی است که در مقابل ما قرار دارد و ما همه را فرامی‌خوانیم که با دامن زدن به این گفتار به تدارک چنین حرکت بزرگی علیه اعدامها در ایران برویم. اتحاد سراسری و عمومی علیه اعدام در قالب اعتصاب سراسری و عمومی نه فقط دستگاه اعدام و سرکوب جمهوری اسلامی را در هم خواهد شکست بلکه این رژیم را به ورطه سرنگونی خواهد انداخت و این دقیقاً همان امری است که ما در مبارزه علیه اعدام دنبال می‌کنیم. رژیم اعدام جمهوری اسلامی باید سرنگون و نابود شود.

کمیته بین المللی علیه اعدام

۱۲ بهمن ۱۴۰۲ - ۱ فوریه ۲۰۲۴ (برگرفته از مدیای اجتماعی)

## بیانیه کمیته بین المللی علیه اعدام در باره: اعدامهای جنایتکارانه اخیر و جنبش وسیع علیه اعدام

در فاصله یک هفته، جمهوری اسلامی ۶ زندانی سیاسی و عقیدتی به نامهای محمد قبادلو، فرهاد سلیمی، محسن مظلوم، پژمان فاتحی، محمد فرامرزی، و وفا آذربار را اعدام کرد. این اعمال جنایتکارانه رژیم اسلامی نه فقط توانست جامعه را مرعوب کند بلکه باعث شعله ورتر شدن خشم مردم علیه بساط سرکوب و اعدام جمهوری اسلامی شد. جامعه در ابعادی بیسابقه علیه اعدام و قتل حکومتی مستقیماً وارد میدان نبرد شد تا این سلاح را از دست جنایتکاران اسلامی خارج کند. در یک طرف این نبرد جمهوری اسلامی قرار دارد که درمانده و مستاصل و هراسناک از برآمدن های اجتماعی نیرومندتر به اعدامهای بیشتر روی آورده است تا در قدرت باقی بماند و در طرف دیگری مردمی که در برابر اعدام و جنایت این حکومت قد علم کرده اند تا ضمن نجات محکومین به اعدام، راه خود را برای سرنگونی این رژیم خونخوار هموار کنند. در یک طرف رژیمی قرار دارد که از خون مردم تغذیه می‌کند و در طرف دیگر مردمی که می‌خواهند بساط این جنایتکاران و زالوصفتان را جمع کنند.

جنبش علیه اعدام در ایران قبل از اعدام محمد قبادلو و فرهاد سلیمی و بر بستر خشم عمومی علیه اعدامهای فزاینده، با کارزاری که تحت عنوان "کارزار جهانی نه به اعدام در ایران" در خارج کشور شکل گرفت و در ۱۵ کشور و ۴۱ شهر دنیا علیه اعدام و قتل حکومتی برنامه های اعتراضی سازمان داد، وارد فاز تازه ای شد. این کارزار که کمیته بین المللی علیه اعدام بخشی از آن است، پس از افت نسبی اعتراضات خیابانی در ایران و خارج، جان تازه ای به جنبش انقلابی زن زندگی آزادی بخشید. در مدت کوتاهی همه دست بکار شدند و اتحاد کم نظیری علیه اعدامها شکل گرفت. سپس تحرک جدیدی در اعتراض به اعدامها در ایران پا گرفت و از جمله بیانیه هایی از سوی ده تشکل کارگری و اجتماعی، کانون نویسندگان، دادخواهان و فعالین مدافع حقوق زن و ۱۷ تشکل دانشجویی منتشر شد.

جمهوری اسلامی با اعدام محمد قبادلو و فرهاد سلیمی فکر کرد که می‌تواند جلوی این جنبش را بگیرد. اما این اقدام جنایتکارانه باعث اعتراضات بیشتری شد. ۶۱ زن زندانی سیاسی در زندان اوین در اعتراض به اعدام جنایتکارانه این دو زندانی سیاسی دست به اعتصاب زدند. "نه به اعدام" به سرعت به رمز اتحاد جامعه تبدیل شد. نزدیک به دویست نفر معلم شاغل و بازنشسته، فعالین کارگری و مدنی و دادخواهان، خانواده های زندانیان و هنرمندان به این اعتصاب پیوستند و یا از آن حمایت کردند. و بدین ترتیب گفتمان اعتصاب علیه اعدام در جامعه بالا گرفت.

با اعدام چهار زندانی سیاسی از مبارزین کردستان، جامعه به سلاح موثر اعتصاب عمومی روی آورد. به فراخوان بسیاری از فعالین سیاسی، نهادهای مردمی، حزب کمونیست کارگری و تعداد دیگری از احزاب سیاسی و با حمایت بسیاری از تشکلها و فعالین سیاسی در سراسر کشور در کردستان روز ۱۰ بهمن ۱۴۰۲ یک اعتصاب عمومی برپا شد که پاسخ دندان‌شکنی به اعدامهای اخیر توسط حکومت اسلامی بود. همچنین در سمیرم در اعتراض به صدور حکم اعدام فاضل بهرامیان و مهران بهرامیان از بازداشت شدگان انقلاب زن زندگی آزادی طی روزهای ۱۰ و ۱۱ بهمن دو روز اعتصاب عمومی برپا شد که رژیم را به هراس انداخت. ویژگی اعتصاب عمومی در سمیرم این بود که سلاح اعتصاب برای جلوگیری از اعدام دو جوان بکار گرفته شد.

خانواده های دادخواه و همچنین خانواده های محکومین به اعدام با حضور فعال در رسانه ها و شبکه های اجتماعی و با تجمع در مقابل درب زندانها تاکنون در اوج گیری جنبش نه به اعدام نقش بسزایی ایفا کرده اند.





## نهاد دادخواهان: از فراخوان گوهر عشقی مادر دادخواه حمایت کنیم!

### اعتصاب عمومی، اعتراض کوبنده علیه اعدامها!

همه مردم آزادخواه، می خواهیم با هماهنگی در اعتصابات عمومی به صورت سراسری در برابر احکام اعدام بایستیم.

اجازه ندهیم جوانانمان را یک به یک به چوبه ی مرگ بکشاند تجربه کردستان و سمیرم نشان داده است که با اتحاد و همبستگی می توانیم شمشیر اعدام را از دست جنایتکاران قاتل بیرون آوریم. اینک جان چهار زندانی دیگر به نام های #مجاهدکورکور، #رضارسایی، #منصوردهمرد و #جوادوفایی در خطر اعدام است و باید با اعتراضات متحد و یکپارچه بساط آدم کشی دولتی حاکمان سرگوبگر را به هم بریزیم. اعدام قتل عمد حکومتی است و باید متوقف شود.

نهاد دادخواهان- ۱۲ بهمن ۱۴۰۲

#اعدام\_قتل\_عمد\_حکومتی\_است  
#ایستاده\_ایم\_تا\_پایان.  
(برگرفته از مدیای اجتماعی)

#نه\_میبخشیم\_نه\_فراموش\_میکنیم  
#انقلاب\_زن\_زندگی\_آزادی  
#نه\_به\_اعدام

سه شنبه ۱۰ بهمن به دنبال اعدام #وفا\_آذربار #پژمان\_فاتحی #محمد\_فرامرزى و #محسن\_مظلوم، چهار تن از زندانیان سیاسی کرد که در فاصله کوتاهی بعد از اعدام معترض انقلاب ژینا زنده یاد #محمد\_قبادلو انجام گرفت، موج گسترده ی اعتراض علیه #اعدام را ایجاد کرد.

در پی فراخوان به اعتصاب در کردستان شاهد اعتصاب فراگیر کسبه و بازاریان در بیش از ۱۳ شهر کردستان بودیم.

مردم مبارز کردستان با تجمعات خود در مقابل منازل جانباختگان و همراهی با خانواده های داغ دیده به همراه حضور خانواده های دادخواه، فضای بسیار پرشوری از همبستگی و مقاومت بوجود آورد به دنبال این موفقیت در شکل دهی به اعتراضات علیه اعدام مردم شهر سمیرم نیز در روز چهارشنبه ۱۱ بهمن همچنان در اعتراض به احکام اعدام #فاضل\_بهرامیان #مهران\_بهرامیان دو معترض #انقلاب\_مهسا به اعتصاب عمومی در سطح شهر ادامه دادند.

اینک مادر دادخواه، گوهر عشقی در اعتراض به حکم اعدام #عباس\_دریس کارگر معترض و شاهد کشتار #نیزار\_ماهشهر، همه مردم مبارز و شریف را به اعتصاب سراسری فراخوانده است. ما دادخواهان، ضمن حمایت از این فراخوان از

## در سفر به سرزمین زندان و شلاق، صدای ما باشید!

خبر سفر خانم "ندا النشیف" معاون کمیساری حقوق بشر سازمان ملل به ایران به بلند شدن صدای اعتراض و #دادخواهی بدل شده است. معلمان، دادخواهان و خانواده های جنایت پرواز Ps752 در نامه های سرگشاده با طرح موضوعات اعتراضی مردم ایران، فریاد #دادخواهی خود را رو به جهان بلند کرده اند.

در توضیح این سفر گفته شده است که برای بررسی دو موضوع #زنان و #اعدام انجام خواهد گرفت. موضوعاتی که سرفصل مبارزه بی امان جاری مردم ایران در طی چندین دهه و بخصوص در یکسال گذشته و در روند انقلاب مهسا با مناسبات حاکم بوده است،

خطاب به خانم النشیف می گوئیم:

حتما خبر شلاق زدن وحشیانه بر بدن #رویا\_حشمتی زن جوانی که حاضر به پذیرش حجاب نشد را شنیده اید. اگر به ایران سفر می کنید، به دیدن رویا حشمتی ها بروید و از زبان آنها چهل و اندی سال سببیت و ستم بر زنان را بشنوید.

خانم النشیف حتما خبر کشته شدن #آرمیتا\_گراوند را شنیده اید که به خاطر #حجاب\_اجباری به دست آمرین به معروف چنان ضربه ای به سرش وارد کردند که پس از مدتی در کما بودن از بین ما رفت.

سرکوب زنان که در ایران به آپارتاید جنسیتی تعریف می شود، همچون آپارتاید نژادی، خشونت و زندان و مرگ را سهم زنان از زندگی کرده است. و جنگی هر روزه در برابر آن جاری است. در این جنگ زنان و مادران بسیاری عزیزانشان را از دست داده اند و یک نماد آن #مهسا\_امینی است که به اسم رمز انقلاب "زن زندگی آزادی" تبدیل شد. اگر به ایران می آید پای سخن خانواده مهسا ها و سارینا ها، حدیث ها و آرمیتا ها و زنان شجاعی که بخاطر تن ندادن به بردگی و حجاب جانانشان را از دست دادند بنشینید.

حتما از تشدید اعدامها در ایران خبر دارید. #محمد\_قبادلو از معترضین انقلاب زن زندگی آزادی، #فرهاد\_سلیمی زندانی سیاسی عقیدتی و چهار جوان از کردستان به اسامی #محمد\_فرامرزى، #وفا\_آذربار، #محسن\_مظلوم و #پژمان\_فاتحی پس از ۱۹



ماه شکنجه و اعتراف گیری اجباری، درست در روزهای قبل از ورود شما به ایران بعد از مدت ها شکنجه اعدام شدند. اگر به ایران سفر می کنید با خانواده های آنها دیدار کنید.

زندانیان دیگری که همچنان در لیست اعدامها قرار دارند شمارشان بسیار است. اگر به ایران می آید به سراغ خانواده های آنها بروید. به زندانها بروید و پای سخن زندانیان قزلحصار بنشینید که مرکز بسیاری از اعدامهاست

و در آنجا زندانیان روزهای سه شنبه را به عنوان روز اعتراض خود اعلام کرده اند. به سراغ زندانیان زن در اوین بروید که فریاد #دادخواهی خود را علیه اعدامها بلند کردند و بخاطر اینکه در صف مقدم جنبش علیه اعدام ایستاده اند با محدودیتها و فشارهای بیشتری مواجه هستند.

خانم النشیف حتما می دانید که در ایران پاسخ اعتراض به فلاکت حاکم بر زندگی تنها زندان و شلاق و اعدام می باشد. پای سخن ما مردم بنشینید. و صدای انقلاب "زن زندگی آزادی" را بشنوید. چنین دیداری می تواند پاسخ ما مردم دادخواه در ایران باشد.

"ندای زنان ایران" کنار معلمان و دادخواهان و خانواده پرواز، که داد از بیداد این سرزمین را فریاد زدند، حرفش با شما خانم النشیف اینست که به ایران بیایید. اما وجدان انسانی خود را ملاک قرار دهید تا بوضوح ببینید که در سراسر این کشور هر روز دارند ابتدایی ترین حقوق انسانی را با اعدام و شکنجه و زندان زیر پا له می کنند. و همین جا اعلام می کنیم که ما مردم ایران #دادخواهیم. عاملین چنین جنایاتی باید محاکمه شوند. نه می بخشیم نه فراموش می کنیم.

ندای زنان ایران - ۱۱ بهمن ۱۴۰۲

#زن\_زندگی\_آزادی (برگرفته از مدیای اجتماعی)